



خواست افغانستان از جامعه جهانی:

طالبان را به پذیرش آتش بس وادارید

اطلاعات روز: وزارت امور خارجه کشور از گزارش اخیر سازمان ملل متحد در مورد ادامه روابط گروه طالبان با شبکه القاعده و...

صفحه ۲

یکونیم سال زندان برای شهردار پیشین بلخ:

حکم پی گرده عدلی

اسحاق رهگذر صادر شد

صفحه ۲

کاخ سفید:

مقامهای امنیتی درباره دسترسی

ترمپ به اطلاعات محرمانه

تصمیم می گیرند

صفحه ۶

انفجارهای کابل:

احتمال کاهش یا توقف چقدر است؟



صفحه ۸

یادداشت روز

تطبيق واکسن کرونا باید مردم محور باشد

مقامهای حکومت و وزارت صحت در این اواخر اعلام کرده اند که کشورهای هند و چین به ترتیب ۵۰۰ هزار و ۲۰۰ هزار دوز واکسن کرونا به افغانستان اهدا می کنند. براساس گفته های معاون سخن گوی وزارت صحت، دیروز نخستین محموله واکسن های اهدایی هندوستان به کابل رسیده است. رسیدن این محموله، آغاز واکسنیاسیون کرونا در افغانستان را کلید می زند.

حکومت باید طرح جامع و شفافی را برای آغاز و تطبیق واکسنیاسیون کرونا در کشور تدوین و اجرای دقیق آن را روی دست بگیرد. با توجه به استیلای فساد بر تمام امور سیاسی و اداری کشور، این تهدید به صورت بالقوه وجود دارد که در تطبیق و توزیع واکسن های کرونا، فساد، بی عدالتی و نفوذ سیاسی رخ داده و یک برنامه صحتی ملی که باید مطابق به استانداردهای ویژه آن تطبیق شود، با فساد، نفوذ سیاسی و نقض پرتکل های تطبیق، از تأثیرگذاری عقیم شود.

در موج اول شیوع کووید ۱۹ در افغانستان، فساد و نفوذ سیاسی افراد قدرتمند باعث شد که برخی افراد زورمند و...

۲



صفحه ۲

طالبان یکی از ریسان شوری انکشافی ولسوالی قادس بادغیس را تیرباران کردند

صفحه ۲



مدیر عمومی طب عدلی ریاست صحت عامه جوزجان به اتهام دریافت رشوت بازداشت شد

اطلاعات روز: دادستانی کل کشور اعلام کرده است که مدیر عمومی طب عدلی ریاست صحت عامه ولایت جوزجان به اتهام اخذ ۱۱ هزار افغانی...

صفحه ۲

نیروهای دولتی چهار غیر نظامی را از زندان طالبان در هلمند آزاد کردند

صفحه ۲



ترجمه

بازداشت شدگان در اردوگاه های اویغورها قربانی تجاوزهای سیستماتیک: «هدفشان از بین بردن همه است»

می بردند، جایی که هیچ دوربینی در آن نصب نبود. وی گفت: «این زخمی ابدی و فراموش نشدنی است. من حتا نمی خواهم این کلمات را به زبان بیاورم.» تورسنای ضیاءالدین ۹ ماه را در داخل سیستم گسترده و مخفیانه اردوگاه های اجباری چین در | صفحه ۴

تحلیل



آیا مذاکرات دوحه می تواند برای افغانستان صلح بیاورد؟

صلح یکی از خواست های حیاتی و فطری بشر است. زندگی بدون داشتن فضای امن، سخت و ناگوار است. هرگونه تلاش انسان در حیات دنیایی برای ایجاد فضایی صورت می گیرد که بتواند به آسانی و خوبی در آن زندگی کند و به سعادت و خوشبختی برسد. | صفحه ۵

تحلیل

ابعاد سیاسی سازش نامه تجاری-ترانزیتی افغانستان و پاکستان (۲)

توافق نامه تجاری و ترانزیتی اپنا و هند در حقیقت، پس از تقسیم هند بریتانیایی به دو کشور مستقل پاکستان و هند در سال ۱۹۴۷، مناسبات افغانستان با پاکستان، هرگز روابط به یک سطح مطلوب نبوده. رویکرد تبارگرایانه حکومت های متوالی در کابل در قبال مرز میان دو کشور (که تحت عنوان خط دیورند هم یاد می شود) و ادعای سرزمینی به آن سوی مرز، مانع اصلی در برپایی روابط خوب و کارا میان اسلام آباد و کابل بوده است. با روی دست گرفتن سیاست و اهداف خیالی «پشتونستان یا افغانستان بزرگ تر» که پاکستان آن را برای خود یک سیاست غیر دوستانه و حتا خصمانه می دانست، افغانستان را از لحاظ سیاست خارجی به یک وادی دیگر سوق داد و کابل به سوی رقیب پاکستان، به جمهوری هند روی آورد. هند هم بی میل نبود تا در...

۳

بسته های ویژه اینترنتی برای بلاک های رهائشی و خانه های انفرادی

AFGHANET

Info@afghanet.com | +93 (0) 797 777 275

ادامه‌یادداشت‌روز

بانفوذ و مقامات قدرتمند سیاسی و دولتی، از ظرفیت‌ها و منابع صحنی سهم ویژه‌ای برای خود قابل شوند. برخی از گزارش‌ها حاکی از آن بود که برخی افراد قدرتمند، با استفاده از بستر مساعد فساد و نفوذ سیاسی‌شان، حتا دستگاه‌های ونتلاور را به‌صورت شخصی به خانه‌های‌شان منتقل کرده‌بودند. در موج اول شیوع کووید۱۹، رییس مجلس سنا با استفاده از نفوذ سیاسی‌اش، یک هلیکوپتر ارتش و ده‌ها سرباز نیروهای امنیتی را برای رفتن به زادگاهش در ننگرهار و سپری کردن دوره‌ی قرنطینه به انحصار گرفته بود.

پیش از آن‌که از هر نوع سازوکار قانونی برای جلوگیری از فساد در روند واکسیناسیون استفاده شده و بازدارنده‌های فساد و عدم شفافیت تعریف و روی دست گرفته شود، در خصوص واکسیناسیون کووید۱۹ باید این نکته برجسته شود که روند تطبیق و تأثیرگذاری این واکسیناسیون، بیش از آن‌که یک موضوع فردی باشد، خاصیت و تأثیرگذاری یا عدم تأثیرگذاری جمعی دارد. اگر تصور بر این باشد که یک فرد، خود و خانواده و بستگانش را واکسن کرده و در نتیجه از خطر ابتلای مجدد به این پاندمی رهیده، برداشت دقیقی از این واکسن ندارد. واقع این است که واکسیناسیون کووید۱۹ در عمل در پی ایجاد یک معافیت جمعی است. برخلاف آنچه که تصور می‌شود، در یک تصویر کلان، اگر اکثریت جمعیت یک کشور واکسن نشود، با توجه به این‌که واکسن‌های تولیدشده تا کنون، هیچ‌کدام تأثیرگذاری و معافیت ۱۰۰ درصدی در پی ندارد، حتا کسانی که واکسن را دریافت می‌کنند نیز نمی‌توانند اطمینان مطلقاً از عدم ابتلای مجدد به ویروس داشته باشند. کما این‌که حتا اگر جمعیت کثیری از کشور واکسن دریافت کنند، کماکان خطر ابتلای مجدد وجود دارد زیرا این اتفاق در کشورهایی که تطبیق واکسن را آغاز کرده‌اند، رخ داده است.

در واقع، تطبیق واکسیناسیون کووید۱۹، به نوعی به مفهوم معافیت دسته‌جمعی است نه فردی. از این منظر، حتا اگر در دریافت یا توزیع و تطبیق آن نیز فساد، بی‌عدالتی و عدم شفافیت رخ دهد، آن‌هایی که به واسطه‌ی فساد و نفوذ سیاسی خارج از روند قانونی واکسن تهیه کرده‌اند نمی‌توانند اطمینان قابل اتکایی از معافیت در برابر بیماری داشته باشند. حکومت افغانستان باید روند واکسیناسیون را با قاطعیت بالایی از مقابله با فساد، نفوذ سیاسی، بی‌عدالتی و در محوریت توده و مردم آغاز و تطبیق کند. این برنامه‌ی ملی باید توده و مردم‌محور بوده و به رویکرد «اول نخبگان، قشر سیاسی، زورمندان، افراد بانفوذ و سپس توده» آلوده نشود.

یک‌ونیم سال زندان برای شهردار پیشین بلخ؛ حکم پی‌گرد عدلی اسحاق رهگذر صادر شد

سال حبس، به پرداخت جبران خسارت پنج میلیون افغانی نیز محکوم به مجازات کرده است.

از سویی هم، او افزوده است که در این جلسه‌ی قضایی، نوران‌شاه، مدیر محاسبه‌ی مالی شهرداری بلخ برائت گرفته شده است.

او همچنان تأکید کرده است که بر تعقیب عدلی محمداسحاق رهگذر، والی پیشین بلخ، جان‌محمد، آمر مالی و اداری شهرداری بلخ و فرد دیگر به نام «ذبیح‌الله» نیز در این جلسه‌ی قضایی حکم صادر شده است.

اطلاعات روز: دادستانی کل کشور می‌گوید که محمدنصیر عینی، شهردار پیشین ولایت بلخ را به اتهام سوءاستفاده از صلاحیت وظیفوی به یک سال و شش ماه زندان محکوم به مجازات کرده است.

جمشید رسولی، سخن‌گوی دادستانی کل کشور گفته است که محمدنصیر عینی دپروز (یک‌شنبه، ۱۹ دلو) از سوی دادگاه ابتدائیه‌ی مرکز عدلی و قضایی مبارزه با جرایم سنگین فساد اداری محکوم شده است.

همچنان به گفته‌ی آقای رسولی، این دادگاه شهردار پیشین بلخ را علاوه بر یک‌ونیم

فساد در مصرف بودجه‌ی کرونا؛ ۲۲۳ مسئول ولایتی به داستانی معرفی شدند

او توضیح داد که در ولایتی به دلیل گستردگی فساد شماری از مسئولان به داستانی کل معرفی شده‌اند و در ولایتی دیگر که فساد زیاد وجود نداشته، کسی به داستانی کل معرفی نشده است.

بازرس ریاست‌جمهوری افزود که در مصرف بودجه‌ی کرونا موارد مشخص فساد و غفلت دیده می‌شود و اصل صرفه‌جویی و اقتصادی‌بودن در نظر گرفته نشده است.

خانم حارس همچنان گفت که از دید اداره‌ی بازرس، به ارزش ۳۳۰ میلیون و ۳۵۴ هزار و ۹۱۲ افغانی بالاتر از نرخ بازار، تجهیزات و دارو خریداری شده است.

خانم حارس به‌گونه‌ی نمونه از خریداری کیت‌های محافظتی، ترمامیتر دیجیتال و دستگاه تنفس مصنوعی در ولایات مختلف یاد کرد. او گفت که کیت‌های محافظتی در یک ولایت به ۵۵۰ افغانی اما در ولایت دیگر به ۹۰۰ افغانی خریداری شده است. به گفته‌ی او، ترمامیتر دیجیتال در یک ولایت به شش هزار افغانی و در ولایت دیگر (بادغیس) به ۲۴ هزار افغانی خریداری شده است.

همین‌طور، ونتیلاتور یا دستگاه تنفس مصنوعی در یک ولایت به ۸۲۱ هزار افغانی و در ولایت دیگر با قیمت سه میلیون افغانی خریداری شده است. بازرس

اطلاعات روز: اداره‌ی بازرس ریاست‌جمهوری کشور می‌گوید که بودجه‌ی اختصاص‌یافته برای مبارزه با کرونا در ولایات در معرض فساد قرار داشته و ۲۲۳ مسئول ولایتی در پیوند به فساد در مصرف بودجه‌ی کرونا به داستانی معرفی شده‌اند.

غزال حارس، بازرس ریاست‌جمهوری که دپروز (یک‌شنبه، ۱۹ دلو) در برنامه‌ی حساب‌دهی دولت به ملت در کابل صحبت می‌کرد، همچنان گفت که این اداره مصرف بودجه‌ی کرونا را در ۲۴ ولایت بررسی کرده و نتایج بررسی‌های ۱۶ ولایت را با توجه به موارد جرمی به داستانی کل فرستاده است.

هرات، نورستان، میدان‌وردک، بدخشان، قندهار، تخار، غور، سمنگان، خوست، لوگر، بامیان، دایکندی، بغلان، قندز، پروان، ننگرهار، پکتیا، بادغیس، سرپل، پکتیکا، بلخ، جوزجان، زابل و کاپیسا از ولایاتی اند که مصرف بودجه‌ی اختصاص‌یافته برای مبارزه با کرونا در آن از سوی اداره بازرس ریاست‌جمهوری بررسی شده است.

غزال حارس گفت که نتایج بررسی‌های هفت ولایت دیگر نیز به‌زودی به داستانی کل فرستاده می‌شود. او تأکید کرد که عمق و گستردگی فساد در ولایت مختلف بوده است.

مدیر عمومی طب عدلی ریاست صحت عامه جوزجان به اتهام دریافت رشوت بازداشت شد

تشبیت معلولیت را نیز بر عهده داشته است. آقای رسولی نوشته است که او ۱۱ هزار افغانی را بابت تأییدی و طی مراحل اسناد معلولیت به‌گونه‌ی رشوت دریافت کرده است.

به گفته‌ی رسولی، این فرد در یک عملیات مشترک داستانی و امنیت ملی به‌گونه‌ی بالفعل بازداشت شده و در حال حاضر تحت توقیف قرار دارد.

اطلاعات روز: دادستانی کل کشور اعلام کرده است که مدیر عمومی طب عدلی ریاست صحت عامه ولایت جوزجان به اتهام اخذ ۱۱ هزار افغانی رشوت، بازداشت شده است.

جمشید رسولی، سخن‌گوی دادستانی کل صبح دپروز (یک‌شنبه، ۱۹ دلو) در صفحه‌ی رسمی فیس‌بوک خود نوشته است که فرد بازداشت‌شده مسئولیت ریاست کمیسیون

خواست افغانستان از جامعه‌ی جهانی:

طالبان را به پذیرش آتش‌بس وادارید



در بیست‌وهفتمین گزارش «گروه تحلیل و نظارت از تعزیرات شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه گروه القاعده، داعش و گروه‌ها و نهادهای وابسته به آن‌ها» که چهار روز پیش (۳ فبروری / ۱۴ دلو) به نشر رسید، آمده است که طالبان همچنان با گروه‌های تروریستی از جمله القاعده رابطه دارند.

براساس گزارش، این رابطه‌ی طالبان با القاعده، داعش و تعدادی دیگر از گروه‌های تروریستی هنوز پابرجا و محکم

اطلاعات روز: وزارت امور خارجه‌ی کشور از گزارش اخیر سازمان ملل متحد در مورد ادامه‌ی روابط گروه طالبان با شبکه‌ی القاعده و سایر گروه‌های تروریستی استقبال کرده و از این سازمان و شرکای بین‌المللی افغانستان خواسته است تا این گروه را وادار به پذیرش آتش‌بس کنند.

وزارت خارجه دپروز (یک‌شنبه، ۱۹ دلو) با نشر اعلامیه‌ای، همچنان از سازمان ملل متحد و سایر شرکای بین‌المللی افغانستان خواسته است که گروه طالبان را وادار به ختم قتل‌های هدفمند و قطع رابطه با گروه‌های تروریستی کنند.

در اعلامیه تأکید شده است که گروه طالبان به‌منظور مساعدشدن زمینه برای گفت‌وگوهای معنادار صلح و دستیابی به راه حل سیاسی به‌هدف برقراری صلح پایدار در افغانستان، باید آتش‌بس را بپذیرند، به قتل‌های هدفمند پایان دهند و رابطه‌ی خود با سایر گروه‌های تروریستی را قطع کنند.

در ولایت‌های فاریاب و قندوز فعالیت دارند، نیز یادآوری شده است.

در همین حال، گروه تحلیل و نظارت از تعزیرات شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه گروه القاعده، داعش و گروه‌ها و نهادهای وابسته به آن‌ها، وضعیت در افغانستان را چالش‌برانگیز و معروض به تهدیدهای گروه‌های تروریستی خوانده است.

دولت افغانستان بارها اعلام کرده است که گروه طالبان پس از امضای توافق‌نامه‌ی دوحه با امریکا، همچنان روابط خود را با سایر گروه‌های تروریستی حفظ کرده است. در یک مورد احمدضیا سراج، رییس عمومی امنیت ملی در تاریخ ۳ قوس گفته بود که گروه طالبان با سایر گروه‌ها به‌صورت منظم ارتباط دارد و این گروه‌ها باهم «بازار خریدوفروش و حتا قرض‌گیری انتحاری‌ها» را ساخته‌اند.

گروه طالبان اما همواره روابطش با سایر گروه‌های تروریستی را رد کرده است.

نیروهای دولتی چهار غیرنظامی را از زندان طالبان در هلمند آزاد کردند

آقای امان همچنان گفت که افراد ره‌اشده همه غیرنظامی اند. نیروهای کماندو در نهم دلو ۳۲ نفر به‌شمول ۱۲ نظامی و ۲۰ غیرنظامی را از یک زندان طالبان در بغلان آزاد کرده بودند.

پیش از آن نیز در چندین عملیات جداگانه نیروهای کماندو، بیش از ۶۰ نفر از زندان‌های طالبان در ولایت‌های لوگر و هلمند آزاد شده بودند.

ابعاد سیاسی سازش نامه تجاری-ترانزیتی افغانستان و پاکستان (۲)

حسین یاسا



توافق نامه تجاری و ترانزیتی آیتا و هند

در حقیقت، پس از تقسیم هند بریتانیایی به دو کشور مستقل پاکستان و هند در سال ۱۹۴۷، مناسبات افغانستان با پاکستان، هرگز روابط به یک سطح مطلوب نبوده. رویکرد تبارگرایانه حکومت‌های متوالی در کابل در قبال مرز میان دو کشور (که تحت عنوان خط دیورند هم یاد می‌شود) و ادعای سرزمینی به آن سوی مرز، مانع اصلی در برپایی روابط خوب و کارا میان اسلام‌آباد و کابل بوده است. با روی دست گرفتن سیاست و اهداف خیالی «پشتونستان یا افغانستان بزرگ‌تر» که پاکستان آن را برای خود یک سیاست غیر دوستانه و حتی خصمانه می‌دانست، افغانستان را از لحاظ سیاست خارجی به یک وادی دیگر سوق داد و کابل به‌سوی رقیب پاکستان، به جمهوری هند روی آورد. هند هم بی‌میل نبود تا در افغانستان، در همسایگی غربی رقیب خود ریشه‌های سیاسی خود را توسعه دهد، با افغانستان در سطح بالای مناسبات ایجاد کرد. اما حضور هندی‌ها در هر دو مرز شرقی و غربی برای پاکستان نگرانی‌های سیاسی و امنیتی را به‌وجود آورد.

به‌طور فشرده این‌گونه رویکرد در سیاست‌گذاری افغانستان و روابط تیره با پاکستان طبیعی بود که همه عرصه‌های دیگر را زیر تأثیر قرار می‌داد که اقتصاد هم یکی از مهم‌ترین آنان بود. این نوع روابط در سطح پایان در دهه پنجاه میلادی چه تأثیرات منفی بر اقتصاد افغانستان داشت بازهم یک موضوعی است که نیاز به تحقیقات بیشتر دارد اما به هرصورت افغانستان امیدواری‌های زیادی از هند داشت.

از آن سو پاکستان، برای هند تنها دو جاده‌ای بود که منتهی به افغانستان و از آن گذشته به جمهوری‌های آسیایی مرکزی وصل می‌شد و به بازار و منابع سرشار آنان دسترسی پیدا می‌کرد. بازهم نزدیک‌ترین آن از پاکستان می‌گذرد. فاصله میان واگه (مرز هند با پاکستان در نزدیکی شهر لاهور) و تورخم (مرز میان پاکستان و افغانستان) ۵۸۸.۴ کیلومتر است و از آنجا تا پایتخت کابل تنها ۲۲۸.۴ کیلومتر می‌باشد که با در نظر داشتن روابط غیردوستانه با پاکستان و خصوصاً مضل لاینحل کشمیر، دسترسی هند به این مسیر و از طریق آن به افغانستان بدون حل مسائل اساسی با پاکستان، تقریباً بیرون از امکان بود و هست.

مسأله دیگری که نگرانی‌های هند را چند برابر افزایش می‌دهد، پروژه بزرگ «بتکار یک کمر بند و یک جاده» به رهبری چین است که آن هم یکی از رقیب‌های جدی هند به شمار می‌آید. بخش جنوبی این پروژه بزرگ «دهلیز اقتصادی چین و پاکستان» است. این پروژه نه این‌که برای رشد سریع اقتصاد پاکستان نقش مهم بازی خواهد کرد، بلکه چین را قادر می‌سازد تا در اقیانوس هند دسترسی پیدا کند و آن هم در نزدیکی خلیج فارس و تنگه هرمز. این پروژه به‌حیث تغییردهنده بازی در منطقه هم تعریف می‌شود که نفوذ چین را در سیاست دریای اقیانوس هند، بیشتر از هر کشور دیگری افزایش می‌دهد.

هند از پیامدهای اقتصادی سیاسی و امنیتی این پروژه سخت نگران است. حالا در صورت امکان پذیر نبودن گزینه نخست، راه دیگری که هند را به افغانستان و آسیای مرکزی و مناطق دورتر از آن وصل می‌کند، از ایران می‌گذرد که هند با آن طریق چابهار، بندری دریایی که استان سیستان و بلوچستان در ساحل خلیج فارس و حدود ۷۲ کیلومتری در جنوب شرقی بندر گوادر موقعیت دارد. بندر گوادر محور اصلی پروژه «سی پیک» می‌باشد. چون بنابر شرایط اقلیمی همانند و ژرفای آب، بندر چابهار رقیب بالقوه بندر گوادر به شمار می‌رود.

هند از سال‌ها پیش از امضای «آیتا» به خاطر دور زدن پاکستان و ایجاد مسیر متبادل به افغانستان و آسیای مرکزی تدبیرهایی را در نظر داشت. در همین رابطه هند پروژه اعمار جاده «زنج-دلارام» (مسیر ۶۰۶) را در سال ۲۰۰۵ آغاز کرده بود. این جاده ۲۱۵ کیلومتر طول دارد و با سرمایه‌گذاری ۱۲۵ میلیون دلاری هند در سال ۲۰۰۹ به پایان رسید که زنج (نقطه مرزی افغانستان با ایران) را به جاده حلقه‌ای هرات-کابل، در نقطه دلارام وصل می‌کند.

در ۲۲ جنوری ۲۰۰۹ حامد کرزی رییس‌جمهور

وقت افغانستان و پراناب موکرگی، وزیر خارجه آن زمان هند این جاده را با سخنرانی‌های حماسی و تحریک‌آمیز افتتاح کردند. غیر از صحبت‌ها در مورد مزایای اقتصادی این جاده موکرگی گفت «تکمیل این جاده (مسیر ۶۰۶) نشان‌دهنده عزم راسخ هند و افغانستان است که هیچ چیزی نمی‌تواند مانع آن شود و در راه آن سد ایجاد کند.» حامد کرزی دو گام جلوتر از موکرگی گذاشته و گفت «تکمیل این پروژه که با آن افغانستان از کوتاه‌ترین مسیر به ایران وصل می‌شود، پیامی است برای کسانی (پاکستان) که می‌خواهند همکاری هند و افغانستان را متوقف کنند»

در تاریخ ۲۳ می ۲۰۱۶، هند، ایران و افغانستان یک قرارداد نو تجاری-ترانزیتی سه جانبه را در حضور سران هر سه کشور، در تهران امضا کردند. در همان بازدید از ایران، نریندرا مودی نخست‌وزیر هند اعلام کرد که هند برای توسعه بندر چابهار سرمایه‌گذاری ۵۰۰ میلیون دلاری خواهد کرد.

روزنامه «تعادل» ایرانی که بیشتر اخبار تجاری - اقتصادی را پوشش می‌دهد، در تبصره به این توافق نامه سه جانبه چنین نوشت: «هند می‌خواهد با سرمایه‌گذاری در بندر چابهار، قدرت چین را در آسیای جنوبی و مرکزی به چالش بکشد. چینی که می‌خواهد از طریق سرمایه‌گذاری گسترده در بندر گوادر پاکستان، نبض تجارت منطقه را به کنترل خود در آورد.» روزنامه به هند هم چنین هشدار داد که «حالا که هند با سرمایه‌گذاری در چابهار در برابر رقیب قدرتمند خود صف آرایی می‌کند (یا قرار گرفته)، نباید آن مشکلاتی را فراموش کنیم که به خاطر هند (در گذشته‌ها) ایران متقبل شده... باید با آن‌ها (هند) شکایات و ملاحظات خود را مطرح کنیم تا آن‌ها در تعهد با ایران صادقانه عمل کنند و همه موارد تعهد شده را به‌طور جدی پی‌گیری کنند.»

روزنامه دیگری ایرانی (اعتماد) می‌نویسد «بازدید آقای مودی و امضای توافق‌نامه‌های پروژه‌های مشترک انرژی و اتصال (ترانزیت)، زنگ خطری را در اسلام‌آباد، چین، و ریاض به صدا در خواهد آورد.»

تحلیل‌گران سیاسی و رسانه‌های هند هم این توافق‌نامه را با افغانستان و ایران نقطه عطف در رابطه هند با منطقه و شکست استراتژیک پاکستان عنوان کردند. به پنداشت برخی از آنان با دستیابی به بندر چابهار، هند ظرفیت خنثاسازی فعالیت و سرمایه‌گذاری‌های چین، در بندر گوادر را به‌دست آورده است. اما دیری نگذشت که رییس‌جمهور آمریکا دونالد ترامپ، توافق‌نامه هسته‌ای با ایران «برجام (برنامه جامع اقدام مشترک)» را لغو کرد و تحریم‌های بی‌پیشینه و سختی در در برابر ایران وضع کرد. درست در همین نکته، نگرانی‌های سال ۲۰۱۶ روزنامه‌های ایرانی تحقق یافت، وقتی هند به خاطر ملاحظات آمریکا از تعهدات خود با ایران عقب‌نشینی کرد که موجب ناامیدی ایران گردید.

جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران در دیدار با همتای هندی خود هم یادآور شد و گفت «ایران از حکومت نریندرا مودی انتظار داشت که در برابر زورگویی‌های واشنگتن ایستادگی

بیشتری از خود نشان دهد، آن‌هم در زمان که مودی از طریق پروژه چابهار برنامه‌های بزرگ اتصال منطقه و (و از آن طریق) در مسائل ثبات و امنیت نقش به‌سزای کشورش را در نظر دارد، که بدون شک پیامدهای بزرگی دارد.» این اظهارات جواد ظریف، عمق ناامیدی در بالاترین تراز رهبری ایران را در برابر هند نشان می‌داد. پشت کردن هند به ایران در این اوضاع حساس ظرفیت و اراده سیاسی هند را برای پی‌گیری سیاست‌های خارجی، به عنوان یک کشور مستقل مورد تردید قرار داده بود. اما محدودیت و ملاحظات هند در این مورد قابل درک بود زیرا مشارکت آن با ایالات متحده آمریکا برای مهار چین، یک معامله جذاب‌تری بود.

نگرانی ایران هنگامی کمی جدی‌تر شد که اندکی بعدتر محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی در ۲۹ فبروری ۲۰۱۹ در بازدید دو روزهاش از دهلی نو، اعلام کرد که عربستان سعودی در هند سرمایه‌گذاری ۱۰۰ میلیارد دلاری را در نظر دارد و این سرمایه‌گذاری در عرصه‌های انرژی، تأسیس پالایشگاه، پتروشیمی‌ها، زیرساخت‌ها، کشاورزی و استخراج معادن وغیره صورت خواهد گرفت. این تغییر استراتژی در سیاست هر دو کشور هند و عربستان نگرانی‌های تازه‌ای را در چین، ایران و پاکستان پدید آورد و طبیعی بود که در برابر این گام استراتژیک، یک حرکت متقابل هم صورت می‌گرفت.

در ماه اگست ۲۰۲۰ خبری در رسانه‌ها درز کرد که نه‌تنها سیاست‌گذاران هندی را بلکه کشورهای غربی را هم به‌تازه کرد که حاکی از پیمان ۴۰۰ میلیارد دلاری و همکاری راهبردی ۲۵ ساله میان چین و ایران بود. اکنون دیگر ایران نیاز به سرمایه‌گذاری محافظه‌کارانه و همکاری مالی هند در بندر چابهار، خط مهم راه آهن ۶۵۰ کیلومتری چابهار-زاهدان که بعد از آن تا زرنج نقطه مرزی افغانستان ادامه پیدا می‌کند و همچنین برای اکتشاف و بهره‌برداری از «میدان گاز فرنازB» نداشت. هند از این گام بزرگ ایران به نگرانی عمیق فرو رفت که گویا دیگر ابتکار عمل را در پروژه دسترسی به افغانستان و آسیای میانه و مناطق دورتر از آن، را از دست داده است.

این بار هند التماس‌گونه از ایران خواهش کرد تا چین را از چابهار دور نگه دارد. گرچه پاسخ ایران به هند بسیار دیپلماتیک و نرم بود اما یکی از کارمندان بلندپایه پیشین وزارت خارجه ایران که در هند هم وظیفه انجام داده بود (و از هند آشنایی قوی داشت) گفت «روابط فزاینده دهلی نو با آمریکا و اسرائیل تحت حکومت نریندرا مودی برای ایران زیاد خوشایند نبوده است. به نظر او دیگر برای احیای مناسبات آن چنانی ایران و هند به میزان اولی کمی دیر شده بود.

زاویه مهم دیگر

به نظر می‌رسد که همه پیمان‌های چندجانبه به خاطر منافع اقتصادی سیاسی و امنیتی متنوع کشورهای دخیل در آن، همیشه توأم با مشکلات و چالش‌های غیر پیش‌بینی شده می‌باشد. توافق نامه تجاری-ترانزیتی افغانستان و پاکستان هم در همین راستا کدام امر استثنایی نیست. اکنون پرسش این است که چگونه به

این مشکلات فایق آمد و چگونه این توافق نامه می‌تواند عامل مهمی برای منافع جیوپلیتیکی/اقتصادی و نیز تضمین کننده رفاه مردم هر دو کشور باشد.

اگرچه پاکستان به دلیل فوق‌الذکر از صادرات هند به افغانستان جلوگیری کرد، اما راه برای صادرات کالا‌های افغانستان به هند از طریق مرز زمینی واگه، همیشه باز بوده یعنی طبق این توافق‌نامه، افغانستان در صادرات خود به هند از طریق پاکستان مشکل ندارد.

نکته مهم دیگر این است که برای میوه و سبزیجات تازه افغانستان که یک بخش مهم صادرات افغانستان است تا هنوز هم خود پاکستان یک بازار مطمئن بوده است. بر اساس گزارش «استراتژی ملی صادرات افغانستان ۲۰۱۸-۲۰۲۲»، سکتور میوه و سبزیجات تازه که یکی از نشرات وزارت تجارت و صنایع افغانستان است، بیش از ۹۰ درصد میوه‌ها و سبزیجات افغانستان در پاکستان به مصرف می‌رسد و در سال‌های آینده تا ۴۵ درصد افزایش خواهد یافت. طبق گزارش نشر شده صادرات میوه و سبزیجات افغانستان به پاکستان سالانه به ارزش حدود ۷۱.۵ میلیون دلار بوده.

افزون بر این پاکستان بازار بزرگ برای زغال سنگ افغانستان هم است. به‌طور نمونه تنها یک شرکت پاکستانی به نام «سیمان فوجی» سالانه حدود ۳۲۴۰۰۰ تن زغال سنگ از افغانستان نیاز دارد.

حالا کمی به دو مسأله مهم دیگری می‌پردازیم که دارای اهمیت ویژه است و تأکید بر ضرورت تمدید مجدد این توافق‌نامه دارد.

۱. بی‌گمان بندر چابهار از بندرهای مهم در منطقه است و افغانستان و هند بدون گذر از پاکستان هم نمی‌توانند، به مبادلات کالا با هم دوام دهند. اما بازهم باید یادآور شد که این همکاری‌های متقابل به چگونگی روابط ایران و هند بستگی دارد که تا هنوز با همه ناهماهنگی‌ها در سیاست منطقه، آسیب ندیده است. البته در آینده مسیر تحولات در منطقه قابل پیش‌بینی نیست. همان‌گونه که در گذشته یادآوری گردید، یکی از اهداف هند از طریق بندر چابهار دسترسی به افغانستان است. اما هند هدف بزرگ‌تری از افغانستان را در نظر دارد که آن عبارت از دسترسی به آسیای میانه، روسیه و اروپا است.

در این رابطه باید یادآور شد که در سپتامبر ۲۰۰۰ میان روسیه، هند و ایران در شهر سانتکت پتروبرگ، یک سازش‌نامه دیگری بازرگانی-ترابری، زیر نام «دهلیز حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب» به امضا رسیده بود. این مسیر زمینی و دریایی، هند را به همه مناطق یادشده بدون گذشتن از افغانستان، پیوند می‌دهد.

اکنون پرسش عمده این است که چرا هند باید از افغانستان به عنوان یک مسیر ترانزیتی استفاده کند، در حالی‌که ایران دارای زیر ساخت‌های بهتر، جاده‌ها و بزرگ راه‌های بهتر، خطوط راه آهن منظم و ارگان‌های مدیریتی بهتر می‌باشد و همچنین مسیر ترانزیتی ایران در همه فصل‌های سال قابل استفاده است و نه تهدید امنیتی دارد و نه از مناطق دشوارگذر کوهستانی می‌گذرد. ۲. یک سازش‌نامه دیگر بازرگانی-ترانزیتی چهار جانبه زیر عنوان «سازش‌نامه چهار جانبه حمل و

نقل ترانزیتی» میان پاکستان، چین، قرغیزستان و قزاقستان به تاریخ ۹ مارچ ۱۹۹۵ به امضا رسیده که حدود یک‌ونیم دهه پیش‌تر از آیتا نهایی گردیده. این مسیر با دور زدن افغانستان و از طریق بزرگ راه قراقرم که پاکستان (گلگت بلدستان) را با چین (سینکیانگ) وصل می‌کند، پیونددهنده این چهار کشور می‌باشد. گرچه این نزدیک‌ترین مسیر نیست اما راه مطمئن تجاری-ترانزیتی پاکستان به چین و آسیای میانه و مناطق دورتر از آن است. این مسیر هم در فصل زمستان مشکلات معین خود را دارد که کمتر از مشکلات کوه‌های سالنگ در مسیر میان کابل و مزار شریف نیست. این جاده از سال‌ها بدین‌سو فعال است و جزو پروژه «سی پیک» می‌باشد. در سال ۲۰۱۷ تاجیکستان هم تمایل خود را به پیوستن در این پروژه اعلام کرد و در ۸ می ۲۰۲۰ معاون نخست‌وزیر اوزبکستان، سردار عمر زاقف نیز از درخواست رسمی آن کشور به عضویت این توافق‌نامه خبر داد. این دهلیز قرغیزستان، تاجیکستان، قزاقستان، و اوزبکستان را قادر می‌سازد تا در بازارهای چین و پاکستان و نیز هم‌زمان به بندرهای دریایی پاکستان هم دسترسی پیدا می‌کنند.

نتیجه

۱. جدا از مناسبات ناهمگون و توأم با فراز و نشیب میان افغانستان و پاکستان، خیر و صلاح دو کشور در حل مشکلات دو جانبه نهفته است و گرچه این مناسبات درشت و نامطلوب و غیر دوستانه همه عرصه‌های زندگی در هر دو کشور را زیر سایه برده، و به ثبات سیاسی و اقتصادی هر دو کشور، به ویژه افغانستان به شدت ضربه وارد خواهد شد.

۲. اگر توافق‌نامه تجاری-ترانزیتی دو جانبه تمدید نگردد، تأثیرات و پیامدهای آن برای افغانستان بیشتر خواهد بود و به جز از مسائل امنیتی، افغانستان دیگر با درنظر داشت موقعیت جغرافیایی خود، ظرفیت ادغام منطقه را از دست خواهد داد. یعنی خودداری افغانستان از امضا برای تمدید این توافق‌نامه، حیثیت آن را به‌حیث نکته وصل‌کننده کشورهای منطقه از دست خواهد داد که طبعاً قدرت نفوذ افغانستان را کاهش می‌دهد. کشورهای همسایه افغانستان که از ثبات سیاسی و اقتصادی بهتر برخوردار اند، بویایی‌های تجاری-اقتصادی شان را بدون افغانستان می‌توانند دوام دهند. دو نمونه پروژه‌های «دهلیز حمل و نقل بین‌المللی شمالی و جنوب» و توافق‌نامه چهارجانبه ترانزیتی به ترتیب به رهبری روسیه و چین در فوق مورد بحث قرار گرفته است.

۳. بدون شک جمهوری هند یکی از کشورهای مهم منطقه است اما فشار بیش از حد افغانستان برای شمولیت آن در توافق‌نامه APTTA تحقق پیدا نخواهد کرد. روابط خصمانه میان پاکستان و هند، جنبه‌های سیاسی و امنیتی تاریخی دارد که بدون شک حل و فصل آن برای همکاری، هماهنگی و یکپارچگی منطقه یک امر ضروری است اما تا زمان که مشکل هند و پاکستان حل نگردیده، توافق‌نامه APTTA باید بدون هند دوام پیدا کند. حکومت پاکستان گرچه هند را از راه خاک خود اجازه صادرات نمی‌دهد اما برای صادرات کالا‌های افغانستان به هند، اجازه ویژه داده شده است که این یک امتیاز بزرگی به سیاست تجاری افغانستان به شمار می‌آید.

۴. افغانستان به خاطر شمولیت هند در این توافق‌نامه نباید قمار بزرگتر از حد یک پیمان ترانزیتی بزند و از سوی دیگر هند برای دستیابی افغانستان و آسیای مرکزی راه بدیل را در اختیار دارد و افغانستان نگران منافع اقتصادی کشور بزرگ هند نباشد.

۵. غیر از مسائل تجاری و ترانزیتی از کوتاه‌ترین مسیر، پاکستان برای افغانستان در عرصه‌های دیگر نیز یک همسایه مهم است. بر فرض اگر رمز قفل صلح پایدار عدد چهار رقمی باشد، دو عدد این رمز در اختیار پاکستان است. تأمین صلح و ثبات پایدار در افغانستان بدون همکاری‌های صمیمی پاکستان دور از امکان است، زیرا حکومت کابل دست به پویایی‌های تحریک‌آمیز نرند که مردم افغانستان تا سال‌های سال بهای گزاف آن را بپردازند.

پایان

بی.بی.سی، متیو هیل، دیوید کمپبل و جو گانتز
ترجمه: شریقه عرفانی

هشدار: برخی از روایت‌ها ممکن است آزار دهنده باشد.

تورسونای ضیاءالدین گفت: «آن مردان همیشه ماسک بر چهره داشتند، حتا زمانی که خبری از پاندمی نبود و کت و شلوار به تن داشتند، نه یونیفرم پولیس.»

کمی بعد از نیمه‌شب، برای انتخاب زنان مورد نظر خود به سلول‌ها می‌آمدند و آن‌ها را از راهرو به «اتاق سیاه» می‌بردند، جایی که هیچ دوربینی در آن نصب نبود.

وی گفت: «این زخمی ابدی و فراموش‌نشدنی است. من حتا نمی‌خواهم این کلمات را به زبان بیاورم.»

تورسونای ضیاءالدین ۹ ماه را در داخل سیستم گسترده و مخفیانه اردوگاه‌های اجباری چین در منطقه سین‌کیانگ گذرانده است. براساس برآوردهای مستقل، بیش از یک میلیون زن و مرد در این اردوگاه‌ها که به گفته چین به‌منظور «آموزش مجدد» اویغورها و سایر اقلیت‌ها ایجاد شده، در بازداشت به‌سر می‌برند. گروه‌های مدافع حقوق بشر می‌گویند دولت چین به تدریج آزادی‌های مذهبی و سایر آزادی‌های اویغورها را سلب کرده و در نهایت با سیستم نظارت گسترده، بازداشت، تلقین و حتا عقیم‌سازی اجباری این اقدامات ظالمانه را به اوج خود رسانده است.

این سیاستی است که پس از دیدار شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین، از سین‌کیانگ در سال ۲۰۱۴ در پی حمله تروریستی جدایی‌طلبان اویغور راه‌اندازی شد. اندکی بعد، طبق اسنادی که برای نیویورک تایمز فاش شد، وی مقامات محلی را ملزم کرده است که «کاملاً بی‌رحمانه» با آن‌ها برخورد شود. دولت ایالات متحده ماه گذشته گفت اقدامات چین از آن زمان به نسل‌کشی منجر شده است. چین می‌گوید گزارش‌های مبنی بر بازداشت گسترده و عقیم‌سازی اجباری «دروغ و ادعاهایی پوچ» است.

گزارش دست‌آورد از داخل اردوگاه‌های داخلی، بسیار کم است، اما چندین زندانی سابق و یک نگهبان به بی‌بی‌سی گفته‌اند که آن‌ها سیستم سازمان‌یافته تجاوز جمعی، آزار جنسی و شکنجه را دیده‌اند، یا به چشم خود دیده‌اند یا هم به واسطه شواهدی دال بر وجود آن.

تورسونای ضیاءالدین که پس از آزادی از سین‌کیانگ فرار کرد و اکنون در ایالات متحده به‌سر می‌برد، گفت زنان «هر شب» از سلول‌ها برده شده و مورد تجاوز یک یا چند مرد چینیایی نقاب‌دار قرار می‌گیرند. وی گفت که سه بار شکنجه شد و پس از آن نیز مورد تجاوز گروهی قرار گرفت؛ هر بار توسط دو یا سه مرد.

وی گفت که قبلاً با رسانه‌ها صحبت کرده است، اما زمانی که در قزاقستان و «در ترس دایمی از اعزام به چین» زندگی می‌کرد. وی گفت می‌داند که اگر تمام آنچه را در طول سوءاستفاده جنسی تجربه کرده و دیده فاش کند و به سین‌کیانگ برگردانده شود، سخت‌تر از قیل مجازات خواهد شد. او از گفتن شرم داشت.

به‌دلیل محدودیت‌های شدید چین برای خبرنگاران، تأیید کامل گفته‌های ضیاءالدین غیرممکن است، اما اسناد مسافرتی و سوابق مهاجرتی که وی به بی‌بی‌سی ارائه کرده، مهر تأییدی بر داستان اوست. توصیف‌های وی از اردوگاهی واقع در ولسوالی شین یوان - که در اویغور به‌عنوان ولسوالی کونز شناخته می‌شود - با تصاویر ماهواره‌ای تجزیه و تحلیل‌شده توسط بی‌بی‌سی، و توصیف او از زندگی روزمره در داخل اردوگاه، و همچنین ماهیت و روش‌های سوءاستفاده با سایر گزارش‌های نقل‌شده توسط بازداشت‌شدگان سابق مطابقت دارد.

اسناد داخلی از سیستم عدالت ولسوالی کونز از سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ توسط آدریان زنز، کارشناس ارشد سیاست‌های چین در سین‌کیانگ، در اختیار بی‌بی‌سی قرار گرفت، که برنامه‌ریزی دقیق و هزینه‌های «تحول از طریق آموزش گروه‌های کلیدی» - یک حسن تعبیر رایج در چین برای شستشوی مغزی اویغورها - را نشان می‌دهد. در یکی از اسناد

“

مادامی که خشونت‌ورزی، ترور، ایجاد وحشت عمومی، قتل خبرنگاران و فعالان مدنی (استراتژی‌هایی که طالبان به دنبال تعمیق آن هستند و آن را دنبال می‌کنند) به‌عنوان استراتژی تعریف شود، این پرسش طرح خواهد که چگونه از این برزخ، ققنوس صلح برخواهد خاست؟

کونز، فرایند «آموزش» به‌عنوان «پاکسازی مغز، پاکسازی قلب، تقویت عدالت و از بین‌بردن شر» توصیف شده است.

بی‌بی‌سی همچنین با یک زن قزاق اهل سین‌کیانگ مصاحبه کرد که ۱۸ ماه در این اردوگاه‌ها بازداشت بوده است. وی گفت مجبور بوده پیش از خروج از اتاق، زن‌ها را برهنه کرده و دستبند به دستشان بزند و پس از رفتن آن‌ها، وادار می‌شد اتاق‌ها را تمیز کند. گلزیره اولخان، برای به تصویر کشیدن آنچه مجبور بود انجام دهد، مچ‌های خود را پشت سرش روی هم گذاشت و گفت: «کار من این بود که زنان را تا بالای کمر برهنه کرده و به آن‌ها دستبند بزنم تا نتوانند حرکت کنند. سپس زنان را رها می‌کردم و مردی وارد اتاق می‌شد، یا پولیس بودند یا مردانی چینیایی از خارج از اردوگاه. من بی صدا کنار در می‌نشستم و وقتی مردان از اتاق خارج می‌شدند، زن را حمام می‌بردم.»

وی گفت، مردان چینیایی «برای انتخاب زیباترین زندانیان جوان» پول می‌پرداختند. برخی از بازداشت‌شدگان سابق اردوگاه‌ها توضیح داده‌اند که دو راه بیشتر نداشتند: یا کمک به نگهبانان یا مجازات. اولخان گفت که نه می‌توانست مقاومت کند، نه مداخله.

وی در پاسخ به این سوال که آیا سیستم تجاوز به‌صورت سازمان‌یافته وجود دارد یا خیر، گفت: «بله، تجاوز.»

وی گفت: «آن‌ها مرا مجبور کردند که به داخل آن اتاق بروم. وادارم کردند زنان را برهنه کنم و دستان آن‌ها را ببندم و از اتاق خارج شوم.»

ضیاءالدین گفت که برخی از زنانی که شبانه از سلول‌ها خارج شده بودند هرگز برنگشتند. کسانی را هم که برمی‌گرداند تهدید شده بودند که در سلول چیزی درباره آنچه برسرشان آورده شده، به کسی نگویند.

وی گفت: «حق ندارید به کسی بگویید که چه بر سرتان آمده، فقط می‌توانید بی‌صدا دراز بکشید. این روندی است که برای از بین‌بردن روحیه‌ی همه طراحی شده بود.»

آقای زنز به بی‌بی‌سی گفت که شواهد جمع‌آوری‌شده برای این داستان «برخی از وحشتناک‌ترین شواهدی است که من از زمان شروع جنایت شاهد بوده‌ام و مؤید بدترین مواردی است که قبلاً شنیده‌ایم. این گزارش شواهدی معتبر و مفصل از سوءاستفاده جنسی و شکنجه در سطحی بسیار وسیع‌تر از آنچه تصور می‌کردیم، ارائه می‌دهد.»

اویغورها اکثراً یک گروه اقلیت ترک مسلمان هستند که تعداد آن‌ها در سین‌کیانگ در شمال غربی چین حدود ۱۱ میلیون نفر است. این منطقه با قزاقستان همسایه است و افرادی از این قوم نیز در این منطقه زندگی می‌کند. ضیاءالدین ۴۲ ساله، اویغور و شوهرش قزاق است.

ضیاءالدین گفت که این زوج در اواخر سال ۲۰۱۶ پس از پنج سال اقامت در قزاقستان به سین‌کیانگ بازگشتند و هنگام ورود از آن‌ها بازجویی و گذرنامه‌های آن‌ها ضبط شد. چند ماه بعد، پولیس به او گفت که با سایر اویغورها و قزاق‌ها در جلسه‌ای شرکت کند و به صورت گروهی بازداشت شدند.

به گفته‌ی وی، اولین حضور وی در بازداشتگاه با غذای مناسب و دسترسی به تلفنش نسبتاً آسان بود. پس از یک ماه به‌دلیل ابتلا به زخم معده آزاد شد. گذرنامه شوهرش پس داده شد و او برای کار به قزاقستان بازگشت، اما

بازداشت‌شدگان در اردوگاه‌های اویغورها قربانی تجاوزهای سیستماتیک:

«هدفشان از بین‌بردن همه است»



Hannah Long-Higgins

اولین بار شاهد خارج کردن شبانه زنان از سلول بود، دلپیش را نفهمید. او فکر می‌کرد آن‌ها را به‌جای دیگری انتقال می‌دهند. سپس شبی در ماه می ۲۰۱۸ «من تاریخ دقیق را نمی‌دانم، در آن مکان آدم تاریخ را به یاد نمی‌آورم» ضیاءالدین و یکی از هم‌سلول‌هایش، زنی حدوداً بیست‌ساله، شبانه بیرون آورده شده و در اختیار یک مرد چینیایی ماسک‌دار قرار گرفتند. زن جوان به اتاق دیگری برده شد.

ضیاءالدین گفت: «به محض ورود به داخل او شروع به فریاد زدن کرد. من نمی‌دانم چطور برای شما توضیح بدهم، فکر کردم او را شکنجه می‌کنند. فکر تجاوز اصلاً به ذهنم نرسید.»

زنی که آن‌ها را از سلول‌ها آورده بود، در مورد خون‌ریزی اخیر ضیاءالدین به مردان گفت. «پس از این‌که زن در مورد وضعیت من صحبت کرد، مرد چینیایی به او فحش داد. مرد ماسک دار گفت: «او را به اتاق سیاه ببر.» «این زن مرا به اتاقی کنار اتاق دختر دیگر برد. آن‌ها یک باتوم برقی داشتند، من نمی‌دانستم چیست. بعد آن را به داخل دستگاه تناسلی‌ام فرو کردند و با شوک الکتریکی مرا شکنجه کردند.»

وی گفت، هنگامی که زن با استناد به وضعیت پزشکی او مجدداً مداخله کرد، اولین شب شکنجه ضیاءالدین در اتاق تاریک به پایان رسید، و او به سلول بازگردانده شد. حدود یک ساعت بعد، هم‌سلولی او را بازگرداندند.

ضیاءالدین گفت: «این دختر پس از آن کاملاً فرق کرد. با هیچ کسی حرف نمی‌زد. ساکت می‌نشست. انگار در حالت خلسه بود. خیلی‌ها در آن سلول‌ها عقل خود را از دست دادند.» در کنار سلول‌ها، یکی دیگر از ویژگی‌های اصلی این اردوگاه‌ها کلاس‌های درس است. معلمان برای «آموزش مجدد» بازداشت‌شدگان به‌کار گماشته شده‌اند. به گفته‌ی فعالان این روند، این روشی است برای از بین‌بردن فرهنگ، زبان و مذهب اویغورها و سایر اقلیت‌ها و القای

“

چندین بار در خیابان شاهد از هوش رفتن هم‌سلول سابقش بود؛ زن جوانی که شب اول با او از سلول خارج شد، و صدای فریادش را در اتاق مجاور شنیده بود. ضیاءالدین گفت که اعتیاد این زن را نابود کرده است: «(از او فقط جسمش مانده، وگرنه مرده است. تجاوزها کارش را تمام کردند.)»

فرهنگ اصلی چینیایی به آن‌ها. قلبینور سدیک، یک زن از بیکی از سین‌کیانگ، از جمله معلمان زبان چینیایی بود که به اردوگاه‌ها آورده و وادار به تدریس به زندانیان شده بود. سدیک پس از آن از چین گریخت و درباره تجربه خود علناً صحبت کرد.

سدیک به بی‌بی‌سی گفت اردوگاه زنان «کاملاً کنترل شده بود». او گفت که داستان‌ها را شنیده بود: نشانه‌ها و شایعات تجاوز به عنف. یک روز، در اردوگاه چینیایی سدیک با احتیاط به یک زن پولیس که می‌شناخت نزدیک شد. «من از او پرسیدم که داستان‌های وحشتناکی در مورد تجاوز جنسی شنیده‌ام، آیا شما در این مورد چیزی می‌دانید؟» وی گفت که باید وقت نان چاشت در حویلی صحبت کنیم.

«من هم به حویلی رفتم، آن‌جا زیاد دوربین نداشت.» او گفت: «بله، تجاوز به یک فرهنگ تبدیل شده است. این تجاوز جنسی است و پولیس چین نه‌تنها به آنان تجاوز می‌کند بلکه با برق نیز شکنجه‌شان می‌کند. آن‌ها تحت شکنجه‌های وحشتناک قرار می‌گیرند.»

سدیک آن شب اصلاً خوابید: «من به دخترم که در خارج از کشور تحصیل می‌کرد فکر می‌کردم و تمام شب گریه کردم.»

در شهادت جداگانه‌ای برای پروژه حقوق بشر اویغور، سدیک گفت که او شنیده که یک باتوم برقی برای شکنجه زنان وارد بدنشان می‌شود؛ همان تجربه‌ای که ضیاءالدین توصیف کرد.

سدیک گفت: «چهار نوع شوک الکتریکی وجود دارد: صندلی، دستکش، کلاه ایمنی و تجاوز مقعدی با باتوم. فریادها در سراسر ساختمان طنین‌انداز می‌شد. من گاهی هنگام نان چاشت و گاهی هم سر کلاس فریادها را می‌شنیدم.»

سایراگول ساویتبای، یکی دیگر از معلمان مجبور به کار در اردوگاه‌ها، به بی‌بی‌سی گفت که «تجاوز معمول بود» و نگهبانان «دختران و زنان جوانی را که می‌خواستند انتخاب می‌کردند و با خود می‌بردند.»

وی گفت که شاهد تجاوز گروهی به زنی که فقط ۲۰ یا ۲۱ سال داشت بود؛ وی اولین زن از میان حدود صد زن دیگر بود که برای

اعتراف اجباری به آن‌جا آورده شده بودند. ساویتبای گفت: «پس از آن، در مقابل چشم همه، پولیس‌ها به نوبت به او تجاوز کردند. هنگام انجام این کار، آن‌ها زنان را تحت نظر می‌گرفتند و هر کسی را که مقاومت می‌کرد، مشت‌هایش را گره می‌کرد، چشمانش را می‌بست، یا نگاه خود را به جای دیگری می‌دوخت، انتخاب کرده و برای مجازات می‌بردند.»

ساویتبای گفت: «زن جوان با فریاد کمک می‌خواست. بی‌اندازه وحشتناک بود. احساس کردم مرده‌ام. من مرده بودم.»

در اردوگاه کونز، روزها به هفته‌ها و ماه‌ها بدل شد. موهای بازداشت‌شدگان کوتاه شد، آن‌ها

آیا مذاکرات دوحه می‌تواند برای افغانستان صلح بیاورد؟

| شریف ادیب |

صلح یکی از خواست‌های حیاتی و فطری بشر است. زندگی بدون داشتن فضای امن، سخت و ناگوار است. هرگونه تلاش انسان در حیات دنیایی برای ایجاد فضایی صورت می‌گیرد که بتواند به آسانی و خوبی در آن زندگی کند و به سعادت و خوشبختی برسد. صلح و راه‌های رسیدن به آن، فرصت‌های مناسبی را برای تحولات اجتماعی و سیاسی برای ملت‌های در حال جنگ فراهم می‌سازد. اما نسخه و یا فرمول کاملی برای صلح وجود ندارد. به اساس متون موجود، شرایط و زمان «مناسب» برای روند صلح و دستیابی به «جوهر» عوامل ریشه‌ای منازعه از عناصر عمده یک توافق‌نامه پایدار اند.

گفته می‌شود روندی که منجر به یک توافق سیاسی می‌شود، اغلبا طولانی، پیچیده و چند سویه است که آنرا تشبیه به لایحه‌های پیاپی از لحاظ پیچیدگی می‌کنند. نظر به زمینه و زمانه، مجموعه‌ای از عوامل باید دست‌به‌دست هم بدهند تا یک توافق سیاسی به دست بیاید و سازوکاری برای تطبیق و حفظ چنین توافقی ایجاد شود.

افغانستان کشوری است که تقریباً چهار دهه می‌شود در جنگ، منازعه و درگیری قرار دارد. این جنگ یا عامل داخلی و یا جنبه‌ی بیرونی داشت که از رقابت قطب‌ها و قدرت‌های بزرگ گرفته تا رقابت منطقه‌ای و همسایه‌های افغانستان نیز منشأ می‌گیرد. فقر، بیکاری، تبعیض و سلطه‌گرایی قومی، توهین و تحقیر به ارزش‌های اقوام و مذاهب و موارد دیگری که عامل برای جنگ‌های داخلی و تامین منافع دیگران بود، به وقوع پیوست و تا به امروز نیز این کوره و این تنور شعله‌ور است و شدت جنگ همه‌روزه بیشتر و بدتر می‌شود.

پس از سال‌ها حضور نظامی امریکا در افغانستان ضمن این‌که به خشونت و جنگ نقطه پایان گذاشته نشد، بیشتر نیز شد. در نهایت تصمیم امریکا بر این شد که جنگ افغانستان راه حل نظامی ندارد و باید از طریق مذاکره و گفت‌وگو حل گردد. طالبان نیز با شکایت از امریکا باورمند هستند که خلاف توافقاتی بین‌المللی امریکا به‌صورت یک‌جانبه امارت اسلامی طالبان را در افغانستان سقوط داده و افغانستان را به اشغال خود در آورده است. بنابراین ترجیح می‌دهند به‌جای این‌که به گفته‌ی خودشان با حکومت دست‌نشانده‌ی امریکا گفت‌وگو کنند با خود امریکا مستقیم گفت‌وگو کنند. حالا سوال این است که چرا امریکا مذاکرات صلح را در جریان ۲۰ سال گذشته آغاز نکرد که به یک‌باره تلاش‌های صلح را شدت بخشیده و ظاهراً تحت هر شرایطی می‌خواهد موافقت‌نامه‌ی صلح به امضا برسد؟

امریکا جدا از داشتن ساختار منظم سیاسی که صلاحیت‌های رییس‌جمهوران خود را محدود می‌سازد اکثراً در سیاست خارجی خود متکی بر تصمیم و اندیشه‌های سیاسی رییس‌جمهوران خود بوده است. بوش جنگ را در افغانستان با هدف مبارزه با تروریسم آغاز کرد و تأکید بیشتر بر راه‌حل نظامی داشت. با روی کار آمدن اوباما سیاست امریکا در افغانستان مبتنی بر حفظ ارزش‌هایی چون آزادی بیان، حقوق بشر، حقوق زنان، انتخابات و... گردیده و بار دیگر تأکید بر راه‌حل نظامی در افغانستان شد تا تلاش برای صلح. اما آنچه با روی کار آمدن دونالد ترامپ خلاف تمامی انتظارات رخ داد، تشدید تلاش‌ها برای صلح و کشاندن طالبان به میز مذاکره بود. دونالد ترامپ پافشاری بر ختم عملیات نظامی در کشورهای مختلف و یا حداقل کاهش هزینه‌های جنگی این کشور داشته است. وی با بیرون کردن نیروهای خود از سوریه و روند صلح افغانستان در عمل نشان داد امریکا نمی‌خواهد بیشتر از این در جنگ‌های که پس از سال‌ها هم نتیجه‌ای نداشته اند دخیل باشد و هزینه‌های هنگفت را متحمل شود. اندیشه سیاسی ترامپ تفاوت‌های بارزی نسبت به بوش و اوباما داشته و کاملاً مشخص است که خواهان صلح در افغانستان است و ظاهراً برایش فرقی هم نمی‌کند صلح منفی و یا مثبت. به این اساس مستقیماً با گماشتن زلمی خلیلزاد به عنوان فرستاده‌ی ویژه ایالات متحده امریکا در این کشور بعد از هفت دور گفت‌وگو و مذاکره میان امریکا و طالبان در قطر منجر به ایجاد توافق‌نامه میان طالبان و امریکا گردید و زمینه را برای آغاز مذاکرات بین‌الافغانی و نشست رهبران حکومتی و گروه طالبان مهیا کرد.

یک‌بار دیگر امیدها و خوش بینی‌ها به هم گره می‌خورد و با

من فقط نمی‌فهمم که عاملان این اقدامات چطور می‌خواهند جلوی این رخدادها را بگیرند.»

براساس گزارش ضیاءالدین، عاملان این امر مانع نشدند.

وی گفت: «آن‌ها نه‌تنها تجاوز می‌کردند بلکه بدن‌مان را گاز هم می‌گرفتند. نمی‌دانم انسان بودند یا حیوان.» او با فشار دستمالی روی چشمانش جلوی اشک‌هایش را می‌گیرد و مدتی طولانی ساکت می‌ماند تا بر خود مسلط شود.

«آن‌ها به هیچ جای بدن‌مان رحم نکردند، همه‌جای‌مان را گاز گرفتند و آثار وحشتناکی به‌جای گذاشتند. نگاه‌کردن به آن‌ها نفرت‌انگیز بود. من این شکنجه را سه بار تجربه کردم. و فقط یک نفر نبود، هر بار دو یا سه مرد حمله می‌کردند.»

ضیاءالدین گفت بعداً زنی به سلول آمد که می‌گفت به‌دلیل به‌دنیا آوردن بیش‌از‌حد طفل بازداشت شده است. او مدت سه روز ناپدید شد و وقتی بازگشت همان علائم روی بدنش بود.

«او نمی‌توانست چیزی بگوید، فقط دستانش را دور گردن من حلقه کرد و مدام حق‌حق می‌کرد، اما حرفی نمی‌زد.»

دولت چین به سوالات بی‌بی‌سی در مورد ادعاهای تجاوز و شکنجه پاسخ مستقیم نداد. در بیانیه‌ای، سخن‌گوی اردوگاه‌های سین‌کیانگ گفت که اردوگاه‌ها بازداشت‌گاه نیستند، بلکه «مراکز آموزش و تعلیمات حرفه‌ای» هستند.

این سخن‌گو گفت: «دولت چین از حقوق و منافع همه اقلیت‌های قومی به‌طور مساوی محافظت می‌کند.» افزود که دولت «اهمیت زیادی برای حمایت از حقوق زنان قائل است.»

ضیاءالدین در دسامبر ۲۰۱۸ به همراه سایر افرادی که همسر یا بستگان‌شان در قزاقستان بودند آزاد شد؛ تغییر سیاست آشکاری که او هنوز کاملاً درک نمی‌کند.

پولیس پاسپورت وی را پس داد و او به قزاقستان گریخت و سپس با پشتیبانی پروژه حقوق بشر اویغور به ایالات متحده رفت. او درخواست پناهندگی کرده است. در حال حاضر در یک حومه ساکت و آرام نه‌چندان دور از واشنگتن دی‌سی همراه با صاحبخانه‌ای از جامعه محلی اویغور زندگی می‌کند. این دو زن با هم آشپزی می‌کنند و در خیابان‌های اطراف خانه قدم می‌زنند. زندگی‌ای کند دور از حادثه. ضیاءالدین وقتی در خانه است، نور چراغ‌ها را کم می‌کند، زیرا در اردوگاه به‌طور مداوم روشن و پرنور بودند. یک هفته پس از ورود به ایالات متحده، وی به خاطر لگدهایی که خورده بود مجبور شد رحمش را طی عمل جراحی بردارد. وی گفت: «من شانس مادرشدن را از دست داده‌ام.» او می‌خواهد شوهرش که فعلاً در قزاقستان است، در امریکا به او بپیوندد.

ضیاءالدین مدتی پس از آزادی، پیش از آن‌که موفق به فرار شود، در سین‌کیانگ منتظر ماند. او می‌دید که سیستم چگونه مردم را اسیر و سپس رهای‌شان می‌کند. او شاهد تأثیری که این سیاست بر مردمش داشت بود. طبق تحقیقات مستقل، میزان زاد و ولد در سین‌کیانگ در چند سال گذشته به‌شدت کاهش یافته است. اثری که تحلیل‌گران آن را «نسل‌کشی جمعیتی» توصیف کرده‌اند.

ضیاءالدین گفت که بسیاری از افراد در جامعه به مشروبات الکلی روی آورده‌اند. چندین بار در خیابان شاهد از هوش‌رفتن هم‌سلول سابقش بود؛ زن جوانی که شب اول با او از سلول خارج شد، و صدای فریادش را در اتاق مجاور شنیده بود. ضیاءالدین گفت که اعتیاد این زن را نابود کرده است: «از او فقط جسمش مانده، وگرنه مرده است. تجاوزها کارش را تمام کردند.»

«آن‌ها می‌گویند مردم آزاد می‌شوند، اما به‌نظر من هرکس از آن‌جا بیرون می‌آید کارش تمام شده است.»

او گفت: «نقشه همین بود. نظارت، مداخله، تلقین، غیرانسانی‌کردن، عقیم‌سازی، شکنجه و تجاوز جنسی. هدف آن‌ها نابودی همه است و همه این را می‌دانند.»

به کلاس رفتند، تحت آزمایش‌های پزشکی غیرقابل توجیهی قرار گرفتند، وادار به مصرف قرص‌هایی شده و هر ۱۵ روز یکبار به زور نوعی «واکسن» به آن‌ها تزریق می‌شد که در آنان حالت تهوع و بی‌حسی ایجاد می‌کرد.

ضیاءالدین گفت، زنان به زور عقیم یا وادار به استفاده از آی‌یودی (دستگاهی جهت جلوگیری از بارداری) می‌شدند، از جمله زنی که بیست سال بیشتر نداشت. (وی گفت: «ما همه برای او التماس می‌کردیم») طبق تحقیقات اخیر آسوشیتدپرس، عقیم‌سازی اجباری اویغورها در سین‌کیانگ به‌شدت افزایش یافته است. دولت چین به بی‌بی‌سی گفت: این ادعاها «کاملاً بی‌اساس» است.

وی گفت که علاوه بر مداخلات پزشکی، بازداشت‌شدگان در اردوگاه ضیاءالدین ساعت‌ها مجبور بودند به خواندن آهنگ‌های میهن‌پرستانه چینی و تماشای برنامه‌های تلویزیونی میهن‌پرستانه درباره‌ی رییس‌جمهور چین شی جین‌پینگ مشغول باشند.

«دیگر یادتان می‌رود که به زندگی در خارج از اردوگاه فکر کنید. من نمی‌دانم که آن‌ها ما را شستشوی مغزی داده بودند یا این اثر جانبی تزریقات و قرص‌ها بود. اما چیزی فراتر از آرزوی یک شکم سیر غذا نداشتیم. به‌شدت گرسنگی می‌کشیدیم.»

به گفته یکی از نگهبانان سابق اردوگاه که از طریق ارتباط ویدیویی از کشوری خارج از چین با بی‌بی‌سی صحبت کرد، زندانیان به‌دلیل تخلفاتی مانند عدم حفظ دقیق قسمت‌هایی از کتابی در مورد شی جین‌پینگ، از غذا محروم می‌شدند.

وی گفت: «هنگامی که ما افراد دستگیر شده را به اردوگاه کار اجباری منتقل می‌کردیم، من می‌دیدم که همه مجبور به حفظ آن کتاب‌ها هستند. آن‌ها ساعت‌های زیادی صرف حفظ متن می‌کردند. همه کتابی در دست داشتند.»

وی گفت: «کسانی که در آزمون موفق نمی‌شدند، مجبور بودند سه رنگ لباس بپوشند که رنگ مشخص می‌کرد یک، دو یا سه بار شکست خورده‌اند. مجازات‌های دیگری هم بود، از جمله محرومیت غذایی و ضرب و شتم.»

وی گفت: «من وارد آن اردوگاه‌ها شدم. زندانیان را به داخل آن اردوگاه‌ها بردم. من آن افراد بیمار و بدبخت را دیدم. آن‌ها قطعا انواع مختلف شکنجه را از سر گذرانده‌اند. من در این باره مطمئنم.»

تأیید شهادت نگهبان به‌طور مستقل امکان‌پذیر نبود اما وی اسنادی را ارائه داد که گویی ثابت می‌کند دوره‌ای در یکی از اردوگاه‌های شناخته‌شده مشغول بوده است. او به شرط ناشناس ماندن صحبت کرد.

نگهبان گفت که او چیزی در مورد تجاوز در سلول‌ها نمی‌داند. وی در پاسخ به این پرسش که آیا نگهبانان اردوگاه از برق استفاده می‌کنند، گفت: «بله. استفاده می‌کنند. آن‌ها از آن ابزارهای برقی استفاده می‌کنند.» به گفته نگهبان، پس از شکنجه، بازداشت‌شدگان مجبور به اعتراف به انواع جرایم متصور شدند. وی گفت: «من آن اعترافات را در قلب خود حفظ کرده‌ام.»

رییس‌جمهور شی در سراسر اردوگاه‌ها حضورش حس می‌شود. تصویر و شعارهای او دیوارها را پوشانده است. او کانون برنامه «آموزش مجدد» است. چارلز پرتون، دیپلمات سابق انگلیس در چین و اکنون همکار ارشد در مؤسسه خدمات سلطنتی متحده، گفت: «شی معمار کلی سیاست علیه اویغورها است.»

پرتون گفت: «این طرح بسیار متمرکز است و بالاترین سطوح در آن دست دارند. جای هیچ تردیدی وجود ندارد که این سیاست شی جین‌پینگ است. بعید است که شی یا سایر مقامات ارشد حزب تجاوز یا شکنجه مجاز دانسته باشند یا آن را مدیریت کنند، اما «بدون شک» از آن اطلاع دارند. من فکر می‌کنم آن‌ها در رأس کار، ترجیح می‌دهند چشم خود را ببندند. دستور اجرای این سیاست با نهایت سخت‌گیری صادر شده و نتیجه این است، هیچ محدودیتی وجود ندارد.

طالبان به‌طور سراسیمه به ایران و روسیه سفر می‌کنند و آمادگی ملاقات و برگزاری هیچ نشست با هیأت افغانستان نیستند. از طرف دیگر، با حملات و خشونت در کابل و ولایات شعله جنگ را بیشتر می‌کنند.

گذشت بیست سال و پس از این همه جان‌های از دست‌رفته دوحه میزبان رویداد مهمی است که ممکن است به جنگ و خونریزی در افغانستان نقطه پایان بگذارد. زمینه‌سازی دیدار، بحث و ملاقات میان نمایندگان «افغانستان جدید» یا «جمهوری اسلامی افغانستان» و اعضای گروه طالبان موسوم به «امارت اسلامی» که قبلاً یک «گروه دهشت‌افکن» یا شورشی خوانده می‌شد، تصویری از روند صلح افغانستان را به نمایش گذاشت. آغاز نشست بین‌الافغانی و مذاکرات در دوحه وقت زیادی را در بر گرفت، امیدواری‌ها و خوشبینی‌های بیشتری به وجود آمد و هر دو طرف روی میکانیزم گفت‌وگوها و مذاکرات پیوسته و به تدریج به پیش می‌روند. اما در افغانستان از کاهش خشونت، جنگ و ناامنی خبری نیست و هر روز نیز شدت می‌یابد. با ختم دور اول گفت‌وگوها هنوز هم از آتش‌بس و کاهش جنگ در افغانستان خبری نیست. هرچند با آمدن شخص جدید در امریکا، در روزهای پسین نماینده و فرستاده‌ی ویژه امریکا در افغانستان در جایگاهش ابقا می‌شود، اما رییس‌جمهور بایدن تصمیم و حرف‌های جدید خود را در قبال افغانستان و منافع امریکا دارد.

با آمدن یک وقفه و تعطیلی در گفت‌وگوها دور دوم مذاکرات دوحه آغاز می‌شود. اما طالبان از جانب حکومت جدید امریکا به نقض توافق‌نامه طالبان با امریکا متهم می‌شوند و اداره بایدن خواهان تجدیدنظر در توافق‌نامه می‌شود. طالبان به‌طور سراسیمه به ایران و روسیه سفر می‌کنند و آمادگی ملاقات و برگزاری هیچ نشست با هیأت افغانستان نیستند. از طرف دیگر، با حملات و خشونت در کابل و ولایات شعله جنگ را بیشتر می‌کنند. اما با این‌حال این خواست‌ها را مطرح کرده اند:

۱. نخست استعفا رییس‌جمهور غنی و ایجاد حکومت موقت،
۲. رهایی هفت‌هزار زندانی طالبان که ۵۷۶ تن آنها محکوم به اعدام می‌باشد،
۳. خواهان وزارت دفاع ملی، استرمحکمه و لوی سارنوالی،
۴. خواهان ۱۳ ولایت به طور مطلق،
۵. خواهان ۱۲۴ کرسی در شورای ملی،
۶. خواهان ۳۳ سناتور در مجلس سنا،
۷. انتقال پایتخت از کابل به قندهار.

این در حالیست که رییس‌جمهور غنی طی یک معامله با امریکایی‌ها مبنی بر پذیرش و حضور آنها در مراسم تحلیف‌اش (۱۸ اوت ۱۳۹۸) پنج هزار زندانی طالب را از بند رها کرد.

در نتیجه دوحه بانی و آورنده‌ی صلح برای افغانستان نخواهد بود و طالبان نیز همه‌ساله بنا بر تکتیک جنگی در فصل زمستان آمادگی نشست، مذاکره و گفت‌وگو می‌باشند. اما با گرم‌شدن هوا و سبز شدن زمین دوباره به جنگ و خشونت ادامه می‌دهند.

به باور نگارنده در صورت به نتیجه‌رسیدن گفت‌وگوهای صلح جنگ و خشونت در افغانستان کم نخواهد شد. داعش، گروه انشعابی طالبان و حضور گروه‌های تروریستی دیگر خطر جدی بالفعل و بالقوه برای امنیت افغانستان و منطقه تلقی می‌شود. صلح افغانستان نخست نیاز مبرم به اجماع ملی به‌صورت واقعی و عینی دارد. در گام بعدی به اجماع منطقوی و با در نظر داشت نقش و جایگاه همسایه‌های افغانستان (پاکستان و ایران) نیاز است. در گام آخر نیاز به اجماع و همکاری صادقانه‌ی قدرت‌های بزرگ و قدرت‌های ذینفع و ذیدخل در قضیه افغانستان می‌باشد.

در صورتی که ما به این سه مهم دست نیابیم، دوحه و یا هر جایی دیگری که باشد برای ما صلح را آورده نمی‌تواند.



کاخ سفید:

مقام‌های امنیتی درباره دسترسی ترمپ به اطلاعات محرمانه تصمیم می‌گیرند



ترمپ به دلیل «رفتار غیرقابل پیش بینی» نمی‌بایست به گزارش‌های حساس و محرمانه دسترسی داشته باشد. سخن‌گوی کاخ سفید گفته است، رییس‌جمهوری (در این مصاحبه) نگرانی خود را از دسترسی رییس‌جمهور سابق دونالد ترمپ به گزارش‌های حساس را بیان کرد، اما او همچنین اعتماد عمیقی به تیم اطلاعاتی خود برای تصمیم‌گیری در مورد چگونگی ارائه اطلاعات به دونالد ترمپ دارد.

روسای جمهور سابق آمریکا معمولاً مجاز به دریافت اطلاعات محرمانه هستند، اما جو بایدن تلویحا در این مصاحبه گفت که به نظر او اقدامات «سهوی» دونالد ترمپ می‌تواند «تهدید» باشد.

اطلاعات روز: کاخ سفید روز شنبه ۱۸ دلو اعلام کرد، جو بایدن، رییس‌جمهوری آمریکا تصمیم در خصوص دسترسی دونالد ترمپ، رییس‌جمهوری سابق این کشور به گزارش‌های محرمانه را به مقام‌های اطلاعاتی واگذار می‌کند.

به گزارش واشینگتن پست، جن ساکی، سخن‌گوی کاخ سفید در بیانیه‌ای گفته است، جو بایدن در خصوص دسترسی به گزارش‌های محرمانه به تیم اطلاعاتی خود اعتماد دارد.

به نقل از رادیو فردا، جو بایدن در مصاحبه با شبکه سی بی اس که روز گذشته پخش شد، گفته بود، دونالد

اطلاعات روز: ده‌ها هزار نفر در میانمار برای دومین روز در مخالفت با کودتای نظامی اخیر و حمایت از آنگ سان سوچی، رهبر برکنار شده، دست به اعتراض زده‌اند. به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، این اعتراضات در حالی برگزار شده که قطع اینترنت و اعمال محدودیت بر روی خطوط تلفن از سوی ارتش نتوانسته بود مانع برگزاری این راهپیمایی‌های اعتراضی شود. همزمان براساس گزارش‌ها دسترسی به اینترنت در پایتخت بار دیگر برقرار شده است.

ارتش برای جلوگیری از اعتراضات دسترسی به فیسبوک، توئیتر و اینستاگرام را ممنوع کرده بود.



کودتای میانمار؛ ادامه راهپیمایی‌های اعتراضی گسترده

در رانگون، مهم‌ترین شهر، معترضان با در دست داشتن تصاویری از خانم سوچی شعارهایی علیه دیکتاتوری نظامی سردادند. از زمان کودتای ارتش در دوشنبه گذشته (اول فبروری/۱۳ دلو) و سرنگونی دولت، آنگ سان سوچی در انتظار عمومی دیده نشده است.

حزب او در انتخابات پارلمانی ماه نوامبر گذشته توانسته بود اکثریت آرا را بدست آورد.

اعتراضاتی در شهرهای دیگر از جمله مولامیان و ماندالی هم برپا شده است.

براساس گزارش‌های دریافتی، در شهر میاواوی در جنوب کشور و در مرز با تایلند، نیروهای نظامی برای متفرق کردن معترضان اقدام به تیراندازی کردند.

به گفته خبرنگار بی بی سی در جنوب شرق آسیا، تاکنون مقامات نظامی که به بکارگیری تاکتیک‌های سرکوب خشونت آمیز در این کشور شناخته می‌شوند، این اعتراضات گسترده را متوقف نکرده‌اند، اما تصور همه بر این است که آن‌ها به زودی دست به این اقدام خواهند زد.

گروه‌های مدافع حقوق بشر با انتقاد از مسدود کردن اینترنت، خواستار دسترسی مردم به سیستم ارتباطی شدند. عفو بین الملل چنین اقدامی را «تاثیرآور و غیرقابل قبول» دانسته و هشدار داد که می‌تواند مردم را در معرض نقض حقوق بشر قرار دهد.

ادامه واکنش اسرائیل به رأی دیوان کیفری بین‌المللی: تصمیمی خطرناک است

به دفاع از کشور و شهروندان با رعایت اصول حرفه‌ای و پایبندی به حقوق بین‌الملل ادامه خواهند داد.

پیشتر نتانیاهو در ویدیویی به این تصمیم حمله کرده و آن را «بهودی‌ستیزانه» خوانده بود. نتانیاهو گفت: «این دادگاه برای رسیدگی به جرائمی همچون هولوکاست علیه یهودیان بنا شد و حال تنها کشور یهودیان در جهان را هدف قرار داده است.»

همزمان گابی اشکنازی، وزیر خارجه اسرائیل، هم در توئیتهایی نوشت تصمیم دیوان بین‌المللی کیفری «خلاف قوانین جهانی است و این نهاد را به یک ابزار سیاسی در دست پروپاگاندای ضد اسرائیلی مبدل می‌کند.»

او اضافه کرد: «تصمیم قضات هدیه‌ای به تروریسم فلسطینی و سر باز زدن تشکیلات خودگردان از بازگشت به میز مذاکره مستقیم با اسرائیل است و کاملا به قطعی‌تر شدن فضا بین طرفین می‌انجامد.»

این مقام دولت اسرائیل نیز دیوان را فاقد صلاحیت

اطلاعات روز: پس از واکنش بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، به رأی دیوان کیفری بین‌المللی مبنی بر آغاز تحقیقات درباره جنایات جنگی در سرزمین‌های فلسطینی، وزرای دفاع و خارجه این کشور نیز آن را «خطرناک» خوانده و از آمادگی مقابله با پیامدهای احتمالی آن خبر دادند.

به گزارش ایران اینترنشنال، بنی گنتس، وزیر دفاع اسرائیل، در ارتباط با رای صادر شده وعده داد با تمام قدرت از شهروندان و سربازان این کشور دفاع کند.

او این تصمیم را «بزراری در دست دشمنان اسرائیل» توصیف کرد و گفت که این تصمیم ابزار است در دست آن‌هایی که می‌کوشند با سوء استفاده سیاسی از نهادهای بین‌المللی، به اسرائیل ضربه بزنند.

گنتس ضمن «خطرناک» خواندن این تصمیم، دیوان کیفری بین‌المللی را فاقد صلاحیت در این زمینه خواند. وزیر دفاع اسرائیل گفت ارتش و نهادهای دفاعی اسرائیل

رسیدگی به موضوع خواند و خواستار احترام به حاکمیت ملی کشورها شد.

اشکنازی وعده داد اسرائیل از هر ابزاری که نیاز باشد برای حفاظت از شهروندان خود استفاده می‌کند.

تشکیل جلسه کابینه اسرائیل

قرار است روز یکشنبه کابینه سیاسی-امنیتی اسرائیل تشکیل جلسه دهد و این موضوع را بررسی کند.

کانال ۱۱ تلویزیون اسرائیل به نقل از افرادی در وزارتخانه‌های خارجه و دادگستری اعلام کرد که برخی از مقام‌ها در اسرائیل می‌گویند این کشور باید روند برخورد با دیوان لاهه را تغییر داده و ضمن برقرار کردن ارتباط با این نهاد، از گشودن پرونده علیه اسرائیل جلوگیری کند.

در این میان، رسانه‌های اسرائیلی می‌گویند تشکیلات خودگردان فلسطینی نگرانی چندانی از اینکه تصمیم جدید دیوان لاهه ممکن است موجب شود که این نهاد

نماینده ویژه سازمان ملل متحد در امور یمن وارد تهران شد



رییس‌جمهوری آمریکا در این سخنرانی که هجده دقیقه طول کشید اشاره مستقیمی به ایران نکرد و تنها در بخشی از سخنان خود درباره حملات شبه‌نظامیان حوثی به عربستان سعودی، به ایران به عنوان حامی این گروه

اطلاعات روز: مارتین گریفیتس، نماینده ویژه سازمان ملل متحد در امور یمن، برای رایزنی با مقام‌های جمهوری اسلامی ایران وارد تهران شد.

به نقل از ایران اینترنشنال، اداره کل اطلاع‌رسانی و امور سخن‌گویی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی با تایید ورود نماینده ویژه سازمان ملل متحد در امور یمن به تهران اعلام کرد که «گریفیتس برای رایزنی و تبادل نظر با مقامات جمهوری اسلامی ایران در خصوص حل بحران یمن» به تهران سفر کرده است.

سفر نماینده ویژه سازمان ملل در امور یمن به تهران چهار روز بعد از آن انجام شده است که جو بایدن، رییس‌جمهوری آمریکا، پنج‌شنبه گذشته طی سخنانی در جمع کارکنان وزارت خارجه ایالات متحده برای تشریح مواضع دولتش، بر تقویت تلاش‌های دیپلماتیک جهت پایان دادن به جنگ یمن تاکید کرد و همزمان گفت که آمریکا به حمایت از عربستان سعودی برای دفاع از حق حاکمیت و قلمرو خود ادامه می‌دهد.

بایدن در همین سخنرانی گفت که «برای تاکید بر تعهداتمان، همه حمایت‌های آمریکا از عملیات تهاجمی در جنگ یمن، از جمله فروش سلاح‌های مرتبط، را پایان می‌دهیم.»

یمن استقبال کرد و گفت اگر این موضع‌گیری «یک مانور سیاسی نباشد می‌تواند گامی در جهت تصحیح اشتباهات گذشته باشد.»

شبه‌نظامیان حوثی که تحت حمایت حکومت ایران قرار دارند و عربستان سعودی به عنوان رهبر ائتلاف نظامی در جنگ یمن، بارها تهران را متهم به ارسال تجهیزات و پول به این گروه کرده است.

دولت دونالد ترمپ در آخرین روزهای فعالیتش، شبه‌نظامیان حوثی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داده بود با این حال، دولت بایدن اعلام کرده که این گروه را از لیست گروه‌های تروریستی خارج می‌کند.

سخن‌گوی وزارت خارجه آمریکا روز جمعه ۱۷ دلو گفت: «این تصمیم هیچ ارتباطی با آنچه ما درباره حوثی‌ها و رفتارهای مذبوم آنان فکر می‌کنیم، از جمله حملات علیه غیرنظامیان و ربایش شهروندان آمریکایی، ندارد.» او افزود: «اقدام ما فقط به خاطر عواقب انسانی تصمیم دولت قبلی است.»

همزمان با گزارش‌ها درباره تصمیم آمریکا برای خروج حوثی‌ها از فهرست سازمان‌های تروریستی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در صفا گفت که سیاست جدید واشنگتن «حضور مستقیم» در یمن است.

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com
- سردبیر چاپی: م.علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶
- سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش
- گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودرملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی
- مترجم: جلیل پژواک
- ویراستار: شیر مهربار
- صفحه آرا: رضا مظفری
- ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا
- ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com
- آدرس: کابل، کارته‌سه شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷ توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

دپای رکورد بنزما را پشت سر گذاشت

مهاجم لیون با وجود ستایش از کریم بنزما دوست ندارد که با این مهاجم فرانسوی مقایسه شود.

به نقل از اکیپ، ممفیس دپای در دیدار لیون برابر استراسبورگ که با پیروزی سه بر صفر لیون به پایان رسید توانست دو گل به ثمر رساند.

او با دو گلی که در این دیدار به دست آورد شمار گل های خود را با پیران لیون به عدد ۶۷ رساند تا رکورد گلزنی کریم بنزما مهاجم سابق لیون را پشت سر گذارد.

دپای درباره بنزما گفت: بنزما مهاجم خوبی است اما من دوست ندارم که خودم را با او مقایسه کنم. من از عملکرد خود در لیون راضی هستم و خوشحالم که در این تیم بازی می کنم. بنزما برای من همچون یک الهام گر است. خوشحالم که رکورد او را پشت سر گذاشتم.



دپای در رده ششم جدول بهترین گلزنان تاریخ باشگاه لیون قرار دارد. در صدر این فهرست فلوری دی نالو حضور دارد که در ۴۹۵ بازی توانست ۲۲۲ گل به ثمر رساند.

این بازیکن هلندی در سال ۲۰۱۷ از منچستر یونایتد به لیون پیوست و توانسته عملکرد بسیار خوبی در این تیم داشته باشد. او مورد توجه باشگاه بارسلونا قرار گرفته است و این احتمال زیاد است که در تابستان راهی آبی اناری ها شود.

رومنیگه:

برای آلابا بازی خداحافظی نمی گیرم

رئیس اجرایی باشگاه بایرن مونیخ تاکید کرد که باشگاه برنامه ای برای برگزاری بازی خداحافظی برای آلابا ندارد.

به نقل از الرای، بایرن مونیخ برای حضور در جام جهانی باشگاه ها وارد قطر شد.

کارل هاینس رومنیگه، رئیس باشگاه بایرن مونیخ درباره جدایی آلابا گفت: او ۱۳ سال پیش زمانی که جوانی بدون تجربه بود پیراهن بایرن را بر تن کرد. او همواره عملکرد خوبی در تیم داشته و به ما کمک کرده است. با وجود آنکه او درخواست باشگاه برای تمدید قرارداد را رد کرد اما همچنان رابطه خوب ما با او ادامه دارد و تا زمانی که تیم بازی می کند با مشکلی مواجه نخواهد شد.

او درباره برگزاری بازی خداحافظی برای آلابا گفت: این تنها زمانی اتفاق می افتد که او با پیراهن بایرن از فوتبال خداحافظی کند. قصد برگزاری بازی خداحافظی برای آلابا را نداریم. ممکن است که در پایان فصل هواداران به ورزشگاه برگردند و در این صورت او می تواند با آنها خداحافظی کند.

رومنیگه درباره تولیسو هم گفت: او یک فصل دیگر با ما قرارداد دارد. باید در تابستان درباره او تصمیم نهایی را بگیریم. یا جدا می شود یا اینکه راه حلی پیدا خواهیم کرد.

در صورتی تن به امضای قرارداد می داد که برای او خانه ای جدید و رو به شمال آماده کنند تا نور خورشید را در خانه داشته باشد.

پاداش برای اخراج نشدن

لیورپول در قرارداد خود با بالوتلی قید کرده بود که یک میلیون پوند بیشتر به او پرداخت خواهد کرد اگر بیش از سه بار به دلیل رفتار غیر ورزشی از زمین بازی اخراج نشود.

همچنین فیرمینیو شرطی در قرارداد خود دارد که طبق آن می تواند در قبال ۹۸ میلیون پوند لیورپول را ترک کند، به شرط اینکه به آرسنال نپیوندد!

هر فصل یک خانه تازه ساز

جوزپه رینا عاشق خانه های نو بود و جز پاداش های نقدی، در قرارداد خود با آرمینیا بیله فلد بندی داشت که طبق آن هر فصل باید یک خانه جدید برای او می ساختند! مشکلی که او داشت این بود که متراژ خانه را ذکر نکرده بود و باشگاه هم هر فصل خانه هایی لگویی برای او می ساخت.

نفرت از سفر

دنیس برکمپ شرط گذاشته بود که اگر مقصد دور بود، هیچکس او را مجبور به سفر نکند. او از پرواز وحشت داشت و به همین دلیل بسیاری از دیدارهای اروپایی از دست می داد.

جت شخصی

مارادونا در زمان حضور در امارات یک جت شخصی داشت که هر زمان هوس دیدار خانواده اش را می کرد، او را به آرجانتین می برد.

سفر به فضا ممنوع

باشگاه ساندرلند استفن شوارتز را در یکی از بندهای قرارداد از سفر به فضا منع کرده بود، چرا که این بازیکن پیشتر از علاقه اش به سفر به فضا صحبت کرده بود.

با توجه به این شروط عجیب و غریب، درخواست های مسی در قرارداد با بارسلونا دیگر چندان هم غیرعادی به نظر نمی رسند.

عجیب ترین بندهای قرارداد در تاریخ فوتبال گزارش ویژه: استوک قرمز نپوش، صد هزار دالر بگیر!



استوک هایش قرمز نباشد. این موضوع به دلیل رقابت بتیس و سویا به عنوان تیم های همشهری بود.

سواحل اختصاصی، مهمانی ها و داشتن پیش خدمت!

از کویبل لاوتزی پاری سن ژرمن را به مقصد فوتبال چین ترک کرد. در قرارداد او علاوه بر شرط دریافت دقیقه ای ۵۵ یورو، همچنین درخواست کرده بود دو خانه مبله، دو خودرو شخصی، یک آشپز و یک راننده شخصی داشته باشد.

همچنین جروینهو وقتی برای بازی به چین رفته بود، از باشگاه درخواست کرده بود که یک ساحل اختصاصی، یک عمارت بزرگ برای زندگی خانواده اش، یک هلیکوپتر و همچنین بلیط هواپیما برای هر وقت که هوس دیدار از کشورش را می کرد، برای او فراهم کنند.

اجازه برای مهمانی

لا ناسیون گزارش کرده بود که زمانی که رونالدینیو در سال ۲۰۱۱ به فلامنگو پیوست، بندی در قرارداد او وجود داشت که به او اجازه می داد هفته ای دو بار به میهمانی برود.

رونالدینیو همچنین وقتی برای ادامه فوتبال به مکزیک رفت، درخواست کرده بود یک خانه استخردار، زمین فوتبال ساحلی، زمین فوتبال ۷ نفره و انواع و اقسام نوشیدنی ها را برای او فراهم کنند.

خانه ای رو به شمال

یکی از بازیکنان سابق رئال مادرید تنها

گذشته برای یکی از بازیکنان خود گذاشت که به موجب آن، این بازیکن حق نداشت با بیش از سه نفر در آپارتمان خود زندگی کند!

باشگاه دیگری دو تن از بازیکنان خود را که بیش از همه به مهمانی گرفتن و مهمانی رفتن علاقه داشتند را از بیرون رفتن با یکدیگر در روزهای سه شنبه و پنجشنبه منع کرد.

باشگاه سویا در قرارداد خود با یکی از بحث برانگیزترین ستاره هایش، نوشت که اگر این بازیکن را در حال دعوا ببینند، قرارداد را لغو می کنند.

شرط تشویق از سوی تماشاگران

طبق گزارش شبکه فرانس ۲، نمار در سال ۲۰۱۸ بابت تشویق تماشاگران در انتهای مسابقه، طلب ۳۷۵ هزار یورو را کرده است. البته نیمار این موضوع را تکذیب کرد. تیگو سیلوا، هم تیمی سابق او در PSG نیز به همین دلیل ۳۳ هزار یورو در جیب گذاشت.

وقتی این موضوع فاش شد، PSG عنوان کرد که این بازیکنان چنین شرطی را در قرارداد خود داشتند، این پاداش ها همچنین شامل مواقعی می شد که بازیکنان با داوران خوب رفتار می کردند، وقت شناس بودند و یا اینکه درگیر شرط بندی نمی شدند.

نپوشیدن کفشی با استوک قرمز

فوتبال لیک افشا کرده بود که رافائل فان درفارت در ۱۴ ماه حضورش در رئال بتیس بیش از ۱۱۴ هزار یورو پاداش دریافت کرد، فقط به خاطر اینکه رنگ

با فاش شدن قرارداد نجومی لیونل مسی با بارسا و مورد توجه قرار گرفتن بندهای بحث برانگیز قرارداد او، مارکا به مرور عجیب ترین بندهایی که در قرارداد ستاره های فوتبال وجود داشته، پرداخته است.

افشاگری روزنامه ال موندو در مورد قراردادی که مسی در سال ۲۰۱۷ با بارسلونا امضا کرده بود، همچنان موضوع مورد بحث رسانه ها است. شروط الزام به در هم آمیختگی با جامعه کاتالان ها، آموختن زبان آنها و همچنین دو پاداش چند ده میلیون یورویی تمدید قرارداد و وفاداری به باشگاه از موارد بسیار مناقشه برانگیز در قرارداد لئو مسی و بارسلونا هستند.

هر چند قرارداد ۵۵۵ میلیون یورویی مسی از نظر خوان گاسپار، رئیس سابق باشگاه بارسلونا، که نخستین بار در ۱۴ سالگی با مسی قرارداد امضا کرد، هیچ مشکلی ندارد. گاسپار می گوید مسی بیش از دو برابر این مبلغ برای بارسا درآمدزایی کرده و هیچ کدام از شرکا و اسپانسرهای بارسلونا مشکلی با دستمزد نجومی کاپیتان کاتالان ها ندارند. همچنین ستاره ها در جهان ورزش همواره شروطی برای عقد قرارداد تعیین می کنند که گاهی بعضی از این شروط حتی با عقل هم جور در نمی آید.

رئیس سابق بارسلونا در ادامه به شروطی مانند: پاداش برای دقایق بازی، پاس گل، گلزنی، کسب قهرمانی و یا رکوردهای دیگر اشاره کرده است. همچنین شرط هایی راجع به مسکن، بیمه و از این قبیل.

در سال های اخیر موارد عجیب و غریبی نیز در قراردادهای بازیکنان دیده شده است، مثل درخواست دریافت پاداش بابت تشویق تماشاگران، پاداش برای لاغر بودن، یا حتی قید شدن تعداد مهمانی های که در طول هفته برگزار خواهند کرد در قرارداد! تیم ها نیز به نوبه خود، سعی می کنند که با آوردن شروطی در قراردادها خود را در برابر احتمال رخ دادن دوپینگ بیمه کنند. به عنوان مثال بندهایی این نکات را برای ورزشکاران ممنوع می کنند: استفاده از داروها بدون اطلاع باشگاه، شرکت در فعالیت های خطرناکی مثل موتورسواری، اسکی، مشت زنی، دوچرخه سواری و... و حتی سفر به فضا!

از عجیب ترین شروطی که تاکنون باشگاه ها در قراردادهای خود ذکر کرده اند، شرطی است که باشگاه لوانته در سالهای

پوچتینو:

قصد تحریک بارسلونا را نداریم

ناراحتی باشگاه بارسلونا همراه شد. پوچتینو گفت: ما نهایت احترام را به حریفان خود می گذاریم. بارسلونا حریف بزرگی برای ماست و به هیچ وجه قصد بی احترامی به آنها را نداریم. با صحبت کردن درباره مسی نه پیامی خاصی برای بارسلونا داریم و نه به دنبال جنجال و حاشیه سازی هستیم. سرمربی پاری سن ژرمن درباره رویارویی با بارسلونا در لیگ قهرمانان اروپا هم گفت: فعلا تنها به دیدارهای حساس در خانه فکر می کنیم. ۱۰ روز دیگر با بارسلونا بازی داریم و فرصت لازم را برای فکر کردن درباره این بازی داریم.



سرمربی پاری سن ژرمن به ناراحتی باشگاه بارسلونا به خاطر تلاش این باشگاه برای جذب مسی واکنش نشان داد.

به نقل از اکیپ، صحبت های اخیر بازیکنان و مدیران باشگاه پاری سن ژرمن درباره جذب لیونل مسی باعث ناراحتی باشگاه بارسلونا شده است.

مسی تا پایان فصل با بارسلونا قرارداد دارد و خبرهای زیادی درباره پیوستن او به پاری سن ژرمن به گوش می رسد. هم لئوناردو و هم بازیکنان سرشناس پاری سن ژرمن ابراز امیدواری کردند که مسی راهی این تیم شود که این با

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۴۰۰۰ افغانی

۷۰۰۰ افغانی

شش ماهه

یک ساله

قیمت: ۲۰ افغانی



راه حل چیست؟

برخی از کارشناسان امنیتی راه حل مهار انفجارهای کابل را در برکناری مقامهای ارشد امنیتی می‌بینند و برخی می‌گویند که در حال حاضر راه‌حلی ندارند، چون موضوع پیچیده‌تر از آن است که برایش به‌سادگی راه‌حل درست و منطقی ارائه کرد. پیشنهادی که کارشناسان می‌دهند این است که مبارزه استخباراتی و کشفی می‌تواند باعث کاهش این انفجارها شود.

جاوید کوهستانی می‌گوید که جلوگیری از ترورهای هدفمند و انفجار ماین‌های چسپکی یک چالش بسیار جدی است و مهار آن توسط دولت کار سخت و دشوار است: «نخست این که تشکیلات کوچک است. در حوزه‌های امنیتی تعداد مأمورانی که در بخش مبارزه با تروریسم و جرایم سازمان‌یافته کار می‌کنند، بسیار محدود است. با توجه به تشکیل حوزه‌های امنیتی، نفوس شهر، افراد غیرمسئول با هویت‌های مختلف و ساحات غیرپلان‌شده، دیده می‌شود، مهار این گونه حملات بسیار دشوار است. تعداد مأموران جنایی و کشفی بسیار کم است، برعکس تعداد پولیس یونیفورم‌دار زیاد است که عملکرد آن‌ها نیز کارایی ندارد. باید اصل مبارزه را کسانی بکنند که حرفه‌ای هستند و از تشکیلات جرایم سازمان‌یافته می‌فهمند. به‌صورت تخنیکی اقداماتی روی دست گیرند.»

هرچند آقای کوهستانی می‌گوید که در حال حاضر کدام راه حل معقول برای مهار این حملات پیشنهاد نمی‌تواند، اما می‌افزاید تا تغییرات گسترده در نهادهای امنیتی اعمال نشود و این نهادها از برخورد‌های سلیقه‌ای و قومی بیرون نشود، مهار این گونه حملات دشوار است: «با رفتارهای احساساتی به این مشکل رسیدگی نمی‌شود. بدون یک نگاه کلان و اصلاحات در نهادهای امنیتی این امر ممکن نمی‌شود.»

اسدالله ندیم می‌گوید که مسئولان ارشد امنیتی «بی‌کفایت» اند و برای این که انفجارهای کابل مهار شود، باید این مسئولان به صورت فوری برکنار شوند: «نهادهای امنیتی خانه‌تکانی شود. آن‌ها دانش مسلکی و در مورد امنیت بینش استراتژیک ندارند. همچنان این مقام‌ها نیز اراده‌ی برای کاهش یا توقف این حملات ندارند.»

امین‌الله امرخیل می‌گوید که پولیس اکثراً در شهرها با یونیفورم حاضرند و حضور پولیس به این شیوه در امر مبارزه تروریسم، جرایم سازمان‌یافته و ترورهای هدفمند بی‌تأثیر و ناکام است. به گفته‌ی او، مبارزه با جرایم باید بر بنیاد علم استوار باشد و اقدامات عملی و با استفاده از تکنولوژی عصری امروزی می‌تواند در این امر مبارزه کمک کند: «پولیس با حضور فیزیکی با داشتن کلاشینکوف،

هاموی و رنجر در ساحه نمی‌تواند از ترورهای هدفمند و ماین‌های چسپکی یا انواع ماین‌ها و جرایم سازمان‌یافته جلوگیری کند. باید برای مبارزه با این پدیده‌ها، ارگان‌های کشفی و استخباراتی را تجهیز و تقویت کرد. پولیس در آن صورت توانایی مهار این گونه حملات را دارد که به وسایل پیشرفته و جرم‌ها مجهز گردد و با ارگان‌های کشفی و استخباراتی هماهنگ باشد. ولی پولیس تنها با حضور فیزیکی بدون معلومات کشفی و بدون هماهنگی با امنیت ملی و ارگان‌های کشفی نمی‌تواند به تنهایی این حملات را مهار کند.»

وزارت داخله می‌گوید که مطالعات امنیتی روی آسیب‌های امنیتی کابل انجام شده و این وزارت در حال تطبیق برنامه‌های استخباراتی و عملیاتی است.

انفجارهای کابل؛

احتمال کاهش یا توقف چقدر است؟

جاوید کوهستانی، کارشناس امنیتی دیگری می‌گوید که در برخی موارد گمان و سوال‌های وجود دارد که ممکن است دولت در انفجارها و ترورهای کابل دست داشته باشد. از جمله اکثریت باور دارند که ترور یماسیاوش، مشاور بانک مرکزی از سوی حکومت یا از سوی افرادی در درون حکومت صورت گرفته است.

وزارت داخله در پیوند به انفجارهای کابل می‌گوید پولیس در چند ماه گذشته صدها تن را بازداشت کرده که در میان‌شان «طالبان داعشی»، اعضای شبکه‌های حقانی و القاعده‌اند و این گروه‌ها می‌خواهند موجی از خشونت را در کشور افزایش دهند. طارق آرین، سخن‌گوی وزارت داخله می‌گوید که این گروه‌ها در تصویر کلان‌تر طالبانند و به‌صورت پراکنده و به شکل گروه‌های کوچک فعالیت می‌کنند: «این‌ها به شکل زنجیره نیستند که بتوانیم پناه‌گاه اصلی‌شان را کشف کنیم. پراکنده‌اند و به گروه‌های کوچک تقسیم شده‌اند. با آن هم ما ده‌ها گروه این گروه‌ها را بازداشت کرده‌ایم.»

احتمال کاهش یا توقف

انفجارهای کابل و ترورهای هدفمند از چند ماه به این طرف به‌صورت پیوسته ادامه داشته است. کارشناسان نظامی به این باورند که در حال حاضر با توجه به اهداف کلانی که پشت این حملات نهفته است، امکان کاهش یا توقف آن نیست.

جاوید کوهستانی می‌گوید در شرایط فعلی امکان کاهش یا توقف چنین حملاتی نمی‌رود و شهروندان از دولت توقع مهار این حملات را نداشته باشند چون دولت نمی‌تواند از پس آن برآید. آقای کوهستانی می‌افزاید که بهتر است شهروندان به‌صورت فردی متوجه امنیت‌شان باشند، چون دیگر راهی وجود ندارد: «تا زمانی که رویکرد دولت تغییر نکند و پاسخ‌گو نباشد، چنین حملاتی کاهش نخواهد یافت.»

امین‌الله امرخیل نیز می‌گوید که در حال حاضر امکان کاهش این حملات بعید به‌نظر می‌رسد. آقای امرخیل می‌افزاید که حکومت در مجموع در مدیریت و مهار ترورهای هدفمند و مدیریت و مهار جنگ جاری در کشور ناکام بوده و ظرفیت خویش را در این خصوص از دست داده است.

اما اسدالله ندیم می‌گوید که انفجارها و ترورهای هدفمند به اوج خود نزدیک می‌شود و طرف‌های درگیر ناچارند صلح کنند: «هیچ امکان ندارد که مذاکرات شروع نشود و نتیجه ندهد.»

وزارت داخله می‌گوید مترصدان امنیتی را در ساحات آسیب‌پذیر کابل افزایش داده و شمار زیادی از افراد و گروه‌ها را که در انفجارهای کابل دست دارند بازداشت کرده است. طارق آرین می‌گوید که در کنار این که عاملان برخی ترورها بازداشت شده، از برخی ترورها نیز جلوگیری شده است، اما در بعد تروریسم این اقدامات برای این وزارت قناعت‌بخش نیست: «ما روی برنامه‌های تاکتیکی و استراتژی بحث‌های امنیتی داشته‌ایم و امیدواریم که بتوانیم بر وضعیت مطابق به خواست شهروندان حاکم شویم.»



بعد از توافق طالبان با امریکا تغییر کرده، چون آن‌ها تعهد کرده که بر شهرها و ولسوالی‌ها حملات بزرگ تروریستی انجام می‌دهند، بنابراین تاکتیک ترورهای هدفمند را روی دست گرفته‌اند تا از این طریق ترس و وحشت ایجاد و مردم را علیه نظام تحریک کنند. به گفته‌ی او، مخالفان مسلح با تداوم انفجارها و ترورها به این هدف خود نزدیک شده‌اند. این جنرال که فرماندهی پولیس چند ولایت را در کارنامه‌ی خود دارد، می‌گوید که تنها شبکه‌های تروریستی از این انفجارها برای رسیدن به هدف‌شان استفاده نمی‌کنند، بلکه شبکه‌های جرمی و افراد در دشمنی‌های شخصی‌شان نیز از این ماین‌ها استفاده می‌کنند.

اسدالله ندیم، کارشناس نظامی دیگر می‌گوید که انفجارها و ترورهای هدفمند اهداف سیاسی دارد و در این حملات نیز تنها طالبان دخیل نیستند، بلکه طرف‌های دیگر نیز دخیل‌اند. طالبان با این انفجارها می‌خواهند دولت را در انظار جامعه و جهانیان یک دولت ضعیف و ناکاره جلوه دهد. افرادی در حکومت شبکه‌های جرمی را برای این انفجارها به کرایه می‌گیرند تا پس از آن طالبان را متهم به جنایت کنند. به گفته‌ی او، پس از هر حادثه، مقام‌های بلندپایه حکومتی فوراً طالبان را متهم می‌کنند، بدون این که سند ارائه کنند، این خود سوال‌برانگیز است.

برخی از کارشناسان امنیتی راه حل مهار انفجارهای کابل را در برکناری مقام‌های ارشد امنیتی می‌بینند و برخی می‌گویند که در حال حاضر راه‌حلی ندارند، چون موضوع پیچیده‌تر از آن است که برایش به‌سادگی راه‌حل درست و منطقی ارائه کرد. پیشنهادی که کارشناسان می‌دهند این است که مبارزه استخباراتی و کشفی می‌تواند باعث کاهش این انفجارها شود.

استفاده از ماین‌های مقناطیسی و ترورهای هدفمند را به‌عنوان تاکتیک جدید جنگی برای زیر فشار گرفتن دولت افغانستان در پیش گرفت. اما شماری از این کارشناسان برخی از ترورها و انفجارها را مشکوک می‌دانند که ممکن است کار حکومت یا افرادی در درون حکومت باشد. همچنان به گفته‌ی آن‌ها، ممکن برخی از انفجارها و ترورها کار کسانی باشند که در پی حذف رقیبان خود هستند. عتیق‌الله امرخیل، آگاه امور نظامی می‌گوید که انفجارهای مشابه و ترورهای هدفمند در کابل تاکتیک جدید مخالفان مسلح دولت برای زیر فشار گرفتن دولت است تا مردم را از دولت دور کند. آقای امرخیل می‌افزاید که حالا این حملات در درون دولت یک تشنج را خلق کرده است. او همچنان می‌گوید که تمامی این رویدادها کار طالبان یا مخالفان مسلح نیست، بلکه افراد نفوذی و کسانی در بدل پول دست به این حملات می‌زنند نیز دخیل‌اند.

جاوید کوهستانی، کارشناس امنیتی دیگر می‌گوید که در برخی موارد گمان و سوال‌های وجود دارد که ممکن است دولت در انفجارها و ترورهای کابل دست داشته باشد، از جمله اکثریت باور دارند که ترور یماسیاوش، مشاور بانک مرکزی از سوی حکومت یا از سوی افرادی در درون حکومت صورت گرفته است. آقای کوهستانی می‌افزاید که تداوم چنین انفجارها، فضا و فرصتی را ایجاد کرده که سایر گروه‌ها و عناصر فرصت‌طلب برای کشتن رقیبان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود از این روش استفاده کنند؛ چون تهیه ماین‌ها مقناطیسی ساده و کم‌هزینه است. به گفته‌ی او، جابجایی این ماین‌ها نیز ساده است و در مواردی افراد عادی برای ترور استخدام می‌شود: «ماین‌های چسپکی بسیار ساده است و تهیه کردن آن نیز آسان و کم‌هزینه است. می‌توانند انواع مواد انفجاری را از بازار سیاه به‌دست آورند. ممکن است توسط افراد استخدام‌شده این ماین‌ها در زمان‌ها و مکان‌های مختلف به آسانی در موترها جابجا شود.»

امین‌الله امرخیل، فرمانده پیشین پولیس ولایت هرات به این باور است که برنامه طالبان و شبکه‌های تروریستی در افغانستان

عصمت‌الله سرور گزارشگر

از چند ماه به این طرف کابل شاهد موج جدیدی از انفجارها و ترورهای هدفمند بوده است. در برخی روزها تا چهار انفجار در این شهر رخ داده است که همه ماین‌های مقناطیسی جاسازی‌شده در موترها بوده است. در برخی موارد ماین یا مواد منفجره حتا در تاکسی شهری جاسازی شده و قربانی آن شهروندان عادی بوده است. با گذشت چند ماه، انفجارها کاهش نیافته و کارشناسان امنیتی می‌گویند که در حال حاضر امیدی به کاهش یا توقف این نوع انفجار و ترورها نیست، چون این نوع از حملات و انفجارها روش جدید جنگ به هدف زیر فشار گرفتن دولت است و همچنان گروه‌های مختلف به اهداف مختلف به این روش متوسل می‌شوند. ماین‌های مقناطیسی یا چسپکی عبارت پرکاربرد در اخبار و گفت‌وگوهای عادی این روزهای باشندگان کابل است. بیشتر روزهای هفته‌ی کابلیان با صدای انفجار آغاز می‌شود و همه نگرانند که در مسیر رفت‌وآمد قربانی یکی از این ماین‌های مقناطیسی نشوند. به گفته‌ی او، کارشناس مسائل امنیتی، به‌دلیل ترس و وحشتی که انفجار ماین‌های مقناطیسی بر سطح شهر سایه افکنده، گذشت‌وگذار کسانی که کارمندند یا ممکن است هدف باشند، در سطح شهر کاهش یافته و این افراد تلاش می‌کنند به‌جز موارد خیلی ضروری از خانه بیرون نشوند. در شرایط حاضر آیا امکان کاهش یا توقف این گونه حملات و انفجار وجود دارد؟ راه حل کاهش یا توقف انفجارهای کابل چیست؟ آیا نیروهای امنیتی به‌ویژه پولیس برای مهار این گونه حملات اراده و توانایی لازم را دارد؟ در این گزارش این پرسش‌ها با کارشناسان نظامی در میان گذاشته شده و از وزارت داخله در مورد برنامه‌ی این نهاد برای مهار این نوع انفجارها و ترورها پرسیده شده است.

چرا ماین‌های چسپکی؟

آگاهان امور نظامی می‌گویند پس از توافق صلح امریکا با گروه طالبان، به‌ویژه بعد از آن که مذاکرات صلح دولت افغانستان با گروه طالبان به‌خوبی پیش نرفت، این گروه